وابستگی های اقتصادي



نوشنیه بیست و یکم آبان ۱۳۵۸ هجری شمسی

نظریه تصرکز و عدم تمركز ياديكتاتورى و دموکراسی

تکشماره ۱۵ ریا<u>ل</u>

در**مفحد** ۳

يايان خطسياستمداران حرفهاي درانقلاب ايران!

سین بیرسامتون زمند و معارت افزیند از اشغال کردند. بلکه عموم مردم و گروههای سهاسی که از آشغال سفارت پشتیبانی

کر صفت ایران را به صورت کامل تریخ

امپریالیسم باور نمی کرد که انقلاب مردم ایران نه تنها در پی دگرگونی نهادها و روشهای استعماری داخلی است. بلکه به موقع خود تمام روشهای سیاسی بین المللی را نیز در راه خود بی اعتبار و ساختهٔ دست ابر قدرتهامی داند و نادیده می گیرد. ناراج بیشتر کشور او را سرگره این زمینه می کردند که از شناختن نهادهای زنده در معنفدات و فرهنگ دیریای توده مرده از طرف دیگر امریکا چنان سرگر. مبارزه وزهودن تفوهٔ دشمن اصلی خود یشی کمونیسم بین المللی بود و دوستان و نوکرانش بعنی دستگاه فاسد حاکمه ی سایق قشری از مردم شهرنشین رابج کرد و دامنمی آن را به شهرکها و روستاها نیز کشانید و فرهنگی استعماری را میان قشری نیز کرده است. این واقعیت را نه تنها دانشجریان پیرو هخط امامه که دست به عملی قهرمانگرنه زدند و سفارت امریکا را

واشته آند پس از پیروزی و براندازی

بیسان و حاصی از چیب فیرانسانی درصله به بزرگترین مربع جوان تیمه آقای شینی در روزنامه اظلاعات بیشتر میشود این مقاله از هیات تحریریه روزنامه اطلاعات تیرد و هیچیک از

پس از مدتی اندک از شوروی جدا شد و بعداز سروسامان دادن به مشکلات داخلی با

رابطه، و معاصَّرهی اقتصّانی، با سایر

منطقان نیمه ساخته و لوازم پدکی و مواد اولیه به وجود آورد نیروی انسانی را از پخش کشاورزی به پخش صنعت وابسته سوق داد. به موازات استقرار این نظام، علىاصفر حاجسيدجوادى

ع روبتائی اجتماع، یعنی مطول د نمودهای زیربتائی، اصا تالیر د نمودهای

اندرکار آن چانکه رفته مهمی دریدید آوردن و شکل پاشیدن به ارتفاک جامه

ملت الجزاير سالگرد استقلال و پیروزی انقلاب خود را جشن گرفت. پیروری سب مورد بست و اینج سال از تاریخ رهایی این ملت قهرمان از زیر بار سلطه سیاسی فرانسویان گذشته

نسبتاً قابل کوچه ثاره به دوران رسیده و شیفته ی فرهنگ غرب رایج کرد

گورستان تاریخ سپرده شد، حماسه ای جاودانه که برگ زرینی از حکایت ماودانه که برک رویسی از اغیان ستمدیدگان بر استعمارگران بر مفحه تاریخ جهان افزود انقلابی که

انقلابیون الجزایر به این نتیجه رسیدهاند که جز از راه اتحاد و همبستگی به نتیجه نمی رسند و تفرقه نیروهای اجتماعی از توان آنان می کاهد. این حقیقت را ما نیز دريافته ايم ولي راه رسيدن به آن را به درستي نشناخته ايم.

یز برای بقای خود و باج گرفتن بیشتر و جشن استقلال الجزايرو آموختني ها

> نیز با دیده تحسین و اعجاب به آن مینگرد سی سرد. گروه های سیاسی و فرهنگی و نظامی از گوشه و کنار جهان امده بودند تا دستاوردهای چنین انقلابی را بچشم ببیتند و در جشن غلبه خون بر شمشیر و غلبه اراده و پایداری بر غرور و نیرو شرکت جویند درات

فود بایسند و نکیه بر هیچ اربابی برای ایرانیان، که هنوز در مرحله تکامل انقلاب شکوهبند خویشند و دنیا پر اصالت ان صعه نهاد و أمروز

از پاردای تابسامانی ها رنج می برند مطالعه و البيعة لربارة التحادي المجروب و اقتصادي المجريره بسيار أموزنده است. زيراً القلاب را ملتى مسلمان برمبتاي ...ب را میسی میستان پرسیای اصالت های قومی و مذهبی خویش کرده است و شیاعت های فراوانی با نهضت ایران دارد. پس، چه بهتر که آنچه برآنان گذشته است. به عنوان عرور ر غیرر عرب جویت برد الجزایر نیز میخواست به جهانیان نشان دهد که هر گاه ملتی تصمیم بقيه درصفحه ع

دکتر محمد قلی محمدی ٔ

دكتر ناصر كاتوزيان

پگیرد ایا حاکم بر سرنوشت خوبش

باشد چگونه می تواند برروی پاهای

ضربه استعماركجا برماواردميشود؟ آمَوْزِشٌ و پرورش در چه شرایطی می تواند ضامن استقلال فرهنگی باشد؟

رسست فرطک عرقوم استصار زده عرصهٔ تاخت و تاز بهگانگان واقع میشود به فروپائس نظامی کهند و جانشین نسدن نظامی دیگر فرصکی نو پدید می آید، شکل میگیرد و درتائیر متقابل خود نهادهای اصلی

راجداع را دربستری تصنعیع شده می آورد. دیاکسازی فرشک از تاثیرهای سود استعماری کوشا باش دراین پاکسازی با آگاهی و طبق نقشه تدوین شده، عمل کنیم

های استمباری قرار می گیرد استمبار هبیشه به تعطیل وو از میان برداشتن ۳ تاسیسات فرهنگی و دائشگاهی نمی پردازد

در حالیکه جامعه تیازمند انسان هانی صاحب سیجایا و صفات متعدی است که خستا عل أموخته و متخصص درزشته ای نیز

ع می درد وسید و کلرگزاران شرباز میآوزه می مرزورتینی برغاصله ی گریختن شاه تاکودتا دکتر ناطبی با تصنیم وقاطعیت رفت. درهای کلنهای شاه را لاک ومهر کرد واعلام

ه میان روزنان کسی به سر رمقاله ای با عنوان دکل شیتی برجع ن زیشته را ازباد نس برند برای زنده کردن یاد دکتر فاطبی شهید

هنوز یک سال از پیروزی انقلاب مردم ایران و اخواج مظهر سیاهترین استیداد بازیچه ی استعمار و ایامی او نگذشته که تاخشو تاز تازه نقسها میدان را قبارالود کرده

سیه مصنی عراضه در مصنی و است می است. به مشتران که میشود و هرزمان قدیم استان می گورد نما در به این دورز را با روشش به به دارند و قد میلزات میتان استان می گورد نما درم ایران دورز را با روشش به به باد دارند و قد میلزات میتان دورز را می شداشت که با نما در مقد و با در میتان میاب میتان در ایریند و مسافتی نما میتان میتان که در در میتان م

تنها کسانی عرصه را تنگ میبینند که وسعت دیدی گافی و متناسب:

این چه عدالتی است که به میرد اینکه کسی مطلبی مخالف نوق و سلیقه و روش و عمل شما بگوید یا بتويسد اواز تهبت و المترا و تهديد يرسر أو قرودمى

يا داود اناجعاناك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالحق ولاتتبع الهرى فيضلك عن سبيل أقه (قرآن کریب سوره ص)

بین البائی طرق مدتی و سیاسی را بیان کردیم و ایتسکه شواهدی ازقضارتهای حضرت علی میآوریم: یعث ما پر سر اصول و ضوایط معاکسه و گفساوت درچارچوب انسبانی اسلامسی بود و خواهی ازاعلامیه جهانی طرق یامر و میقاق

سریریه از محتوی این نوشته شوم و سرایا نامردانه و عاری از کوچکترین علامت شرافتیندی و اخلای کرهاکترین علامت شرافتیندی و اخلای ارائع نداشت، طاله از کجا فرستاد شده روانع ا

ت په چاپ چنين نوقت دكتر عبدالكريم لأهيجى

يايان خط سياستمداران بنيه از صنعه اول حرفه ای

کننده ی واقعی سرنوشت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی شما، خود شفائیدو از

بیستمی و استامها سازی می بابرهنه چگونه در برابرش قد علم کرد و گفت اگر کچ بروی با این تستشیر راستت خواهم کرد

با ذکر و تکرار این واقعه حتی به ساده

ترین مردم اجازدی انتقاد به خود را که رهبر

مرین مردم بدوری انقلاب است می دهد، با این تعلیم، مردم اگرچه دست کم طی بیست و پنج سال

دورنگهداشته شده باشند آن غرور را پیدا می کنند که تک تک آنان در شیره و رفتار

می شد به باید بایدان در سیره از رفتار سیاسی هریک از رهران و مدیران جامعه و در حرکت سیاسی جامعه مستقیما و پی واسطه عرکت و دخالت کنند. این دیگر به عهددی مدیران جامعه است که چنین

برخاسته از خواب طولانی را چگونه و در چه مسیری برای رسیدن به استقلال واقعی

ر چـ بر پهستسي و صن بيت و را رو در بيت و را روشني سوايق مبارزاتي افاي مهندس بازرگان ترديدی تمی توان داشت. اگرچه در مصاحبه ی پس از استعفای خود طبقتی را بیان داشت که:

. ... آن نخست وزیری که بخواهد برا

د... آن نخست وزیری که پخوست پرد ملاقات با یک وزیر اجازه یگیرد برای لای چرز خوب است ـ مگر من هویدا هستم یا خدای نکرده امام محمدرضاشاه هستند که

برای آب خوردن هم اجازه بگیرم...» یا این وصف آقای مهندس بازرگان به

میان دلایلی. که در هندی سخترانیها می گفت و مخصوصاً در مضاحیدی پس از

می طاق و مستورد از میکند با استی به تمام استعفای خود تکرار کرد، بایستی به تمام

وزیر پس از در واقعه ی ملاقعات با برژینتکی و اشغال سفارت امریکا نشان

داد که دوران حکومت سیاستنداران و

همچنین آجرای درویه های سیاسی، در انقلاب ایران به پایان خطخودرسیده است و

دهدب ایران به پایان نظ خود رسیده است و عالی از نو بیاید سات و رانر آدمی. از سوی دیگر آمیر پالسم امریکا نیز ب تیکی بر مکالیسم پیچیدای که در زمینهی وابستگی اقتصادی در پانزد سال گذشته در این به وجود آزدد، با اینکه در جریان انتخار ریداد مسالت است است

این وجود (دوده با اینکه در جریان انقلاب تمام معاسبات خود را در مدتی کشتر از یک سال باطل دید و سرش به سنگ خورد همچنان مغرور به نیروی نظامی و سیاسی خوددر همان خطی که طبی پانزه سال گذشته سیر می کرد قدم گذاشت و همچنان خاضر شد یا نتراست میزان و و همچنان خاضر شد یا نتراست میزان و

و همچنان حاضر شد یا شواست همزان و معرکهای خشم مردم و کمپیت و کیفیت آن را تشخیص دهد. شاه را در آمریکا پذیرفت و به شهادت مدارک افشاگراندی دانشجویان

پیرو وخط امامه که در سفارت امریکا به

انقلاب ایران ارزیابی درستی نکرده بود و در برابر پذیرفتن شاه تنها به امکان خلط جان

در بربر بهارست سدند. اتباع آمریکا در ایران فکر می کرد. آمپریالیسم باور نمهکرد که انقلاب مردم ایران نه تنها در پی دگرگونی روشها و

مربم ایران به تنها در پی دار تونی روشها در استفادی داخلی داخلی داخلی داخلی داخلی داخلی داخلی داخلی داخلی دراه خود تمام روشهای دراه خود بی داد داخلی داد بی داد داخلی داد بی داد ب

ر امیریالیسم امریکا در خط مشی خود نسبت به ایران پس از انقلاب تنها به وابستگیهای اقتصادی یکظرفه ای که برای

آیران طرحریزی و اجرآشده است تکیه گرده

است و بد این واقعیت نیندیشیده است که میان کشورهای کوچک و قدرتهای بزرگ

میگر باید مانست که اگر گردهای

أمده الله نشان داد كه از كيفيت

اقعیتهای موجود توجه می کرد. در هرحال آزمایش اکتتعقای تخ

گذشته از دخالت در تعبین سرنوش

جامعدای جامعدای

هوشیاراند و واقع بیناند از این غفلت سابقه ی کلام خرد مکرر توده ی مردم عادی اس بالسد به مفتد در صورت بهره رواری وا مخاطب قرار می دهد و می گوید تعیین امپریالیسم به بهترین صورت بهره برداری کردند و سیاست استعماری تا خواست به خود آید که آب از سرش گذشته بود و مردم ر مری قاطعاندی امام خمینی حاکمیت خود را برسرنوشت خویش به دست آورده

> اسلامی خود چه درشکل سازماندهی و چه در شکل سرعت توسعه و پیشزفت و پهروزی خود انقلابی یگانه است ولی از بهروری مود استرین جهاتی می توان ان را به انقلاب الجزایر نشبیه کرد اگرچه مردم الجزایر حضور بیته نیروی خشن امهریالیسم فرانسه را ر میان خود حس می کردند و طول مبارزات وسبيع أنان بيش از طول مبارزهى وسیع مردم ایران بود. ولی در هرحال رهبران الجزایر به گفتمی خودشان برای بیروری الجزایر به طحمی طرفتان برای پیروزی کامل عاقبت مجبور به تکیه بر نیروی اعتقادات دینی و اسلامی شدند و یا تکیه به این نیرو توانستند استقلال خود را در بین میرو جریان انقلاب و پس از پیروزی آن حفظ کند و به دامن ایرقدرتها نیفتند.

حکومت انقلابی ایران نیز پس از سروزی بر حکومت فساد، با اینکه به علت پیروری بر صفوت کوتاهی مدت دوران میارزدی وسیع از یک هیئت مدیردی همگن در شیوه های یت برخوردار نیود، می خواست در راه یس از انقلاب، پای خود را جای پای مدیراز حکومت الجزایر بگذارد. مدیران حکومت انقلایی الجزایر با

نکیه به قدرت و اصالت کادرخای انقلابی خود پس از طرد استعمار فرانسه و اخراج ر پین از خواه مساو طرحه و خواج فرانسویها چون تمام صنایع خود راوابسته به صنعت فرانسه می دیدند و استعمار فرانت در سطّح کارشناسی های پیچیده ی صنایم اجسازه نداده بود کارشناسسان ورزیدی الجزایری تربیت شوند متوجه شدند که استقلال سیاسی و اقتصادی انقلاب در: گرو ادامه ی کار صنایع است. از این رویلاقاصله باهبان فرانسویهای استعبارگر وارد مذاکره شدند ولی این بار

ربایی و سالاری. بنَ أَرْمَايِشَى است كه حكومت انقلابي نیکاراگرند نیز که پلافاصله پس از انقلاب ما پیروز شد به آن دست زده است.

مدیران سیاست و آفتصاد حکومت سیران سیست و است میران انقلابی ایران نیز برای خط موازنه میان برقدرتها و رقع هرچه زودتر گرفتاریهای پس از بانقلاب خواستند از آنچه به عنوان بنعت موجود است چرخهای اقتصاد را به مرکت در آورند و آنقلاب را به موج خرانهای بیکاری زودرس و شورش های کور و بهره برداری سیاستهای دیگر و پاترچه په ميزان وحستناک راستگی صنایع به سوی بی نیازی قدم به دار به مساله ی کشاو رزی مم و تربید است دار په استقلال واقعی کسور را په استانه ی استقلال واقعی برسانند ولی یا وجود یاداوریها پیایی آقای پندس بازرگان در تمام سخترانی ها و خصوصا یا صراحتی که در استطانامه نرد درباره ی نوع مشکلات به کار برد. ر. نند یک ارزیایی واقعی از امکان و اجمال پیشرات در شیره ی عمل

واقعیت اینست که نفرهٔ رهبر.انقلاب در رمیری وقایع سیاسی و اجتماعی بی چون و چراست و قاطعیت و سازش نایدیی رخبر انقلاب در تمام لحظه های مبارزه مایدی طرد استیدای ترکران استعمار شده است. طرد استبدای ترکزان استعدار شده است. روانیت آیت که با یک دواستفای معمور تمام گرویها و اجراب و دسته های میبانی شعارهای امام را بی چون در جرا در کرویه و خیابان فراد حی زانان که از اساس مفصور الهون ترده هامی بالند و حی الذاری که در ماههای پیش الا پدیدازی انقلاب روتی ما می تراشدی مبارزدی مردم ایران یک میبارزدی شداسیسدادی خیاستعداری فیساسیسدادی خیاستعداری است آنان اصطلاح ضداستعماری را مقدم پر ضد استیدادی می نوشتند رلی بعداز طرد استیناد این فرزند خلب استعمار، چارهای نداشتند چزاینکه به حف متعمل چارهای خانشند جارهای به مراضع مردم برگردند و نیشتد دیگر استبداد پهلوی باقی نیست که مهارژه با آذرا موخر برمهارژه با استعمار غرب بشمارند. واقعیت ایست که وقعی آماید این رهبر پلاینتارع خانی مستخصف با آن نفره بی

به به را وسید به به می در است.

با کسروهای گویک و کسروهای بزرگ

زارسگی طرفینی است و خرب نیز به نقت

رای و خط مقط در برای نظر تروی

رقیب وابسه است و محاج است.

برگی بکیک مرما بران مسلمیو دی

راسلم در مرتب خردهای مرکب در بازیهای

سیاسی با گهر برای شرکت می افزیهای

سیاسی با گهر برای شرکت می بازیهای

سیاسی با کمی برای شرکت مسلمی افاحه خواهد بافت

تعربی تعرب مسلمی نصداند که پس از

تعربی مسلمی نصداند که پس از

تعربی مسلمی نصداند که پس از

تعربی مسلمی خواهد مؤاهد بافت

تعربی مسلمی است می کا در در ادران بافت

با مسلمیات انتیادات فرد که کار مرتب

با مسلمیات انتیادات فرد که کار مرتب

یکی از حرب انگوارین بن بسها ردیو

یکی از حرب انگوارین بن بسها ردیو

یک است.

سیاسی با سایقه به سوابق دعتی خود از
سیاست نکه دارند و مثلاً می دانند که عتی
در چین و شوروی و کوبا و الجزایر و
نیکارائوئه پس از پیروزی انقلاب اگر با
کشوری قطع رابطه کردند همگر طبق
ضوابط حقوق بین الملقی شفارت آن کشور
رااشغال نکردند و این گروهها طالب قطع
دا شا داد از داد از داد ا وابط آمهریالیستی از راههای سیاسی و قتصادی بودند، از بطن انقلاب خردجوش ابران گروه تازه ای متولد می شود و با تسخیر سفارت امریکا و افشاگری درباره مسیر سازت طریع این سفارت با ناه دانشجریان پیرو خط امام اعلام موجودیت می کند و تمام پیش بیشیها و ضوایع

ستمدارانه را برهم می زند. دولت امریکا با پذیرفتن شاه ظاهرا خود را در بن بستی خطرناک قرآر داده است. از سوئی افکار عمومی مردم امسریکا را روبروی خوددارد که نگران گروگانها هستند و رُهْرِي انقلاب با قاطبيت هيشكي خود هيچگونه مذاكرهاي را پيش از تحويل شاه

اميرعليه السلام أورا هلاقات كرده

فرمود این زن را چه میشود. گفتند

بلِّي أَيْنَ زَنِ اعترافُ كرد، به فجور

درنزد من على فرمود كه اين سلطنت

طفلی که درشکم این زن آست چه

تشتیدی که رسول خدا قرمود حد

على أست: والأمروني أن أطل التصرياليور وأفي ماأطور يه -

(۱۲۶) فيما أز من ميخواهيد كه

مکومت توآست براین زن ولی به

نپذیرفته است و از سوی دیگر نه می تواند بدیرهه است و در سوی بهتو مهری و جود دخالت نظامی در ایران کند و نه وجود گرگانها فرصت دردمدتی در اختیارش گذاشته است که به تدریج و با ایجاد حوادث ن إيادي استعماء **و غائله های داخلی به د** ر حصول ماسی به محمد میان میرد و از داخل شور و حرکت مردم را تحلیق بیرد و از داخل ضربه آی وارد آورد. اما سه وسیله ای که امریکا برای حل

قطیه به انها متوسل شده است اولی تفاهد زمیدی آزادیشتی نقطین برای وساطت است این رساخت آگر انجام میشد بر طریقی را گرانهای امریکائی آزادمی شدند. چیش فلسطین می توانست بر کشرید به بروریزاری را به سرخفردد (انکار عمرس امریکائیان و در برابر عاصل مخالف نفوذ میدینیسم در امریکا بکشد که طاهرا نهضت فلطی، با دست ۱۰۰۰ میده از ۱۰۰۰ میده ۱۰۰۰ میده ۱۰۰۰ میده ۱۰۰ میده ۱۰۰۰ میده از ۱۰۰۰ میده ۱۰۰ میده به به أنها متوسل شده است اولي ثقا**ت** میدرسم در سریان باشد به عامر بهست فلیطین یا توجه به ضریه هائی که از امپریالیسم امریکا خورده این وساطت ر فیول تکرد است دوم توسل به دوبار پاپ و واتیکان است که حتما به نتیجه ای که ایریکا طالب است نخواهد رسید یعنی

آزادی گروگانها پیش ر تحویل شاه و سوم توسل به شور وی است که با نفوذخود کاری یکد. تا این ساعت که این حطور نوشته می شود (ظهر شنبه) از پاسخ شوروی به این تقاضا خبری منتشر نشنه آست. اما مگر این تظاها خبری متشد بنده است. اما تجر همین مردمی که در سرتوشت سیاسی خود مستقیعا شرکت می کنند نمی دانند که تمام مطار تخداندهای بزرگ در کسار کار دیپاهاسی از سوئی به منظور کسب خبر از داخل و از سوی دیگر برای کشرل و ردیایی غوذ قدرت رقیب از پیشونته ترین وسایل کسب اطلاعات به سادگی استفاده می کنند؛

سب اسد عات پدساد می استفاده هی نشد: در خوخال توددی مردم لحظه په لحظه گوش په زنگ افشاگریهای دانشجویان پیرو نظ امام هستند و در برابر نظ امام هستند و در برابر امپریالیسم دوباره به شور و شوق و تحرک روزهای پیروزی بازگشته اند. به علاوه جربياتي در همين دوران پيروزي انقلاب کرده اند. آخرین خبرها از شروع کسب کرده اند. آخرین خبرها از شروع _.نتگیری و عکس العمل نسبت به ایرانیان ساکن آمریکا حکایت دارد و چه کار

بههوده ای، و الهرین بیانیه های دانشجویان فاتع سفارت امریکا با توجه به شیوه های عبطتان حکایت از نیروی سازمان یافته ی آنان دلود و مردم را به آمادگی در برابر ملها دعوت مي كند باید آگاه و هوشهار بود که ایجاد هرگونه مادئه و درگیری در داخل قدمی است که به

در بریری برداشته می شود. سود امپریالیسم برداشته می شود. شورای انقسلاب به موازات این رویارونی تعیین کننده وعده داده است که روپاروس صبین ظرف در ماه انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای ملی را تمام کند. امید این که رویاروش حاضر به سود کامل و در جهت خواستهای مردم ایران فیصله یاند و مردم فرصت بیاند که دور از هیجان درگیری و با اندیشه ای شایان توجه این انتخابات اساسی پس از پیروزی انقلاب را در جهت پیشرفته بار زدی ضداستیدادی - ضداستعباری خود به ثمر رسانند

اگر گوینده و نویسنده و محقق بهنگام گفتار و نوشتار تأمین جانی و

حشيتي و شرافتي خود را حن و لس

عدالتانقلابي...

يقيد از صفحه اول

پیروزی را به بهای تبعیض و ستگری بدست آورم؛ بخدا سوگد که تادثیا دنیاست بگرد چین کاری نغواهم گفت. اگر این بیت المالی که دراختیار منست مال خرم بردو می خراستم بین مردم تقسیم کم هرگز تبعیشی روا نین داشتم چه رسد که مال مال خدار علی آدمی نیست که مال مال خدار علی آدمی نیست که وشیخ مفید درارشاد حدیث کرد که درزمان ولایت عمر زنی حامل را آوردند و عمراز او پرسید که آوردند و عسراز او پرسید که زناداده ای آن زن اقرار کرد بزنا، عمرامر کرد اورا سنگسار کنند. رمود بین رن را چه میسود هنند عمرامر کرده اورا رجم کنیم آن حضرت آن زن را برگردانید و به نزد عمر آورد و فرمود که تو امر کردی آین زن را سنگمار کنند عمر گفت عدالت و مساوات را فدای مصلحت کند و این گفتار بیش از آنکه داسه و این گفتار بیش از امحه نمایانگر زهد و تقوای علی باشد نمودار جهان بینی و قلمهٔ میاسی مکرمت علی انداز بازدراین خطبه می گرید وقفد چداران این علیکم خا می گرید وقد چداران این کایکم خابه می گرید دفقد جدل اقد ای عدیدم سر بولایته امرکم و لکم علی من الحق مثل الذی لی علیکم، فالحق اوسم الاتباه فی کده کرد کرد الاتباه فی که در خی که ۱۰۰ الات مرد کی که سلطنتی داری؛ پس از آن فرمود شاید تواین زن را ترسانیده باشی، فریادی برسرار زدداي و اورا تهديد كردداي ر لایجری علیه الاجری له، حقی که خدا برای من برعهده شما گذارده اینستکه جکمران شما هستم و شما هم ر اوازترس افرار کرده. عمر گفت چنین است. آن حضرت فرمود مگر نظیر همان حق را برمن دارید. و نیست برکسی که پس از بلا و زحمت اعتراف کند. همانا هرکس را که در بند حید سان می از پرس دارید. از حق درمقام بیان ووصف مفهومی بسیار وسیع دارد ولی بهنگام عبل پسیار دقیق و باریک است. حق سرات سے حیانا مرسی را مه درید کند یاجیس نمایند یااورا بترسانند پس اورا اقراری نیست (مجموعه قضاوتهای امیرالمومنین ضفحه ۷۹] متقابل است و برای کسی طی نیست مگر برعهده او حق دیگران باشد. علی ارتهای امیرالدومنین صفحه ۱۲۹. مصاوبهای امیرالمومنین صفحه ازاد وایشا فراین کتاب میخوانیم «عضر درشیی از شبها که شب گردی میکرد مردینه و یه منصب داروغه گری مفتخر بود زن و مردی را دید که زنا حکومت خودرا متکی براراده ورای مردم ميداند وولايت و دخالت برام مردم میدادد و و پیت و بعدت برابر حکومت را هم حق مردم می داند هرچند علی آمام امت است ولی برای خود حقی بیش از دیگران قاتل نیست. در ادامه همین خطیه می گوید: مستعر بود رن و طریق را بها ب و م میکنند. چون صبح شد و مردم دونزد اوجمع شدند گفت آیها الناس اگر امام در دادمه همین خطیه می گرید: در ادامه همین خطیه می گرید: در ایس امرو وان عظیت فی الحق منزلته و تقدمت فی الدین فضیلته پفرق ان یعان علی ما حمله الله من حد و لاامرووان صغیتاللغرس و شما مردی را بنگرد که بازنی زنا میکند اقامه حد براو بنماید شما چه میگونید؟ گفتند البته تو امامی و ميلاويد؛ نفست البيت دو اساسي و عمل تو ضواب و صواب و خالي از شک و ارتباب است. چنن کاري بنمائي برتوحد جاري چنين کاري بنمائي برتوحد جاري باستانيم (بيشي حد قلف) برتوحد جاري داوند متصال مرسئليم زنا اقتحمته العيون بدون أن يعين على ذلک او یعان علیده هیچ کس هرچند مقام و منزلتی بزرگ و سابقه ای درخشان درراه حق و خدمت به دین داشته باشد درمقاس بالاتراز یک همکار که نیازمند به کمک دیگران ازجهارشاهد كمتر نس يذيره جند مرتبه عمر ازصحابه سنوال كردهمان میخار به سازمند به معت دیگران است نیست و هیچ کس هم فراندازه درنظر مردم کرچک باشد در مقامی پاتین تر از دیگران ازهمکاری و کمک گرفتن قرآر مرتبه غیر ارضحایه نسوال فرهمان چواب شنید و امیرالمؤمنین همان چواب قرموده (صفحه ۴۳). این احکام را پااصول ۶و ۱۳ میثاق بین البلگر حقرق مذنی و سیاسی که الطلی حقوق ملنی و سیاسی که درطاله گذشته ما آمده است طایسه سب رسامان و قصف گرفتن قرار ندارد علی خورا خمتگزار عردم میداند و به نظر و طیده و تشخیصا ورای عردم انکاه دارد حکومت علی ناشی از حاکمیت عردم است و این ترسی شمتند که باید سرنوشت خود ا توسید گفتند شده - فقدا نشد. کنید تامعلوم شود که دعوت و مکتب اتیاد و اولیاد بمنظور برازاری و الیاد بمنظور برازاری و تعات تحقق این اصول انسانی و تعات انسانیا از ظام و بیعدالتی و بهره کشی برده است. اگر هدف و ظایت بریاتی نظامی اسلامی است وسایل و بیاتی نظامی اسلامی است وسایل و بیاتی نظامی اسلامی است وسایل و مردم صفعه مديد مردم حق اظهار نظر، مخافت، انطاد و اعتراض دارند اين حکومت الهی و مردمی است. و دراین حکومت به مجرد اینکه کسی طرق رسيدن باين هدف هم بأيد اسلامی باشد و هیچ مصلحیی نیجراند بیمنافتی و تبعیش و مصکاری را ترجیه کند این کلام علی است: مانامرونی آن اطلب دراین حورت به میود اینده نسی سرفی زد قرباین کلید: تقدی ترتت آساج طعن و فیزی د فقرین د شنام و تعریع و تنگلیر واقع تبیشود آخراین شکر شنالتی است که مرکس چون نشا شکر تکلد، حوافق گلفار و دفطار و کرمار ششا تباشد ته تقطار ها اظهار سير وام نجم في السفاء تجماء او كان المال في فسريت بينهم فكيات و اتمالمال مال الله (نوع اللافعة فقيد اتمالمال مال الله (نوع اللافعة فقيد

طیده و بیان نداره بلکه جری برجود

آررده اید که حل زیست و زندگی هم

ازانسان سلب میشود. این چه عدالتی است که به مجرد اینکه کسی مطلبی مخالف دوق و سليقه و روش و عمل شما بگويد يابنويسد أوار تهمت و افتراء و تهدید برسراو فرود میآید. وقتى نويسندهاي جان بركف چون على اصغر حاج سيدجرادي امر نوشتن ندارد و درروزنامه ارگان روسین ساود و در روزیامه ارفان حزب حاکم برایش پرونده سازی می می نمایند برای دیگر نویشندگان و گویندگان چه تامینی باقی میماند؟ گرز انصاف و مروت کجاست؟ این حر انصاف و مروت کجاست؟ این کلام امام حسین است که اگر دین ندارید آزاد مرد باشید وقتی علی اصفرهاچ میدجوادی درجمت ۱۳۵۶ خورکامه بلند کرد شما کجا بردید؟ وقت مانت حدادات خادد است استفادات خاددات خاددات خاددات استفاده استفاد استفاد استفاد استفاده استفاد استفاده استفاده استفاده استفاد استفاد استفاد استفاد استفاده اس وقتسی مانیفست جاردانه حاج سیدجرادی دردیماه ۱۳۵۵ صادر شد سیمبورس بردیسه سند. و خطاب به حکومت سرنیزه گفت هدر سرزمینی که برای ۲۰ میلیون انسان زنده بصورت گورستان خاموش و برهوش نقر و خشک درآمده است چه وظیفه ای بالاتر از اقضل الجهادیرای أنسان باقى مى ماند؟ أرى بالاترين و با فضيلت ترين جهاد بقول پيامبر مركحه هاي جاودانه شهادت اين انتظار را باایثارجان خودبازگو کردند زیرا بقول عارف بزرگ نجمالدین رَازَی یَکیّاره قصط سالی مردان و روز بازار نامردان پدید آمد، اگر إمروز بازار نامردان پدید اصد افر امروز اظهار حق نکتی فردا چه عفرآری؟ه این قلمهای طنزامیز وطعن آلود شما کجا برد؟ و چرا این فریادها درسینه ها ر گلرها خفته بود؟ همه خامرش از گلرها پُودید و امروز سر از خواب برداشته و میخواهید با چماق تهدید و تكفير مبارزان و مجاهدان تعریم و تکفیر مبارزان و مجاهدان از جان گذشته را از میدان خارج سازید حال وکلا! جرا قط نام اسلام سرید حوال و بدر چرد چرد احتمام اسلام را پدک می کشید و خود را از آخل اسلامی تهی و خالی کرهایدا. آخر این چه عدالتی و چه نصفتی استکه عدای در رژیم آریامهری هم آماج حیلات و صنعات و تهست ها و بشنام ها يائند. جماق روّيم طاغوت پر سرشان بعورد مامودین یلیس و بر سرستان بصوره بههاس و ساواک و فرمانداری نظامی بعنزل و مارایشان هجوم برند و در آنجا رحل اقامت بیانکنند و گماشتگان معظی و علی درصدد قطل و تابودیشان باشند و بخانه هایشان بسب بیاندازند و در حکومت شما هم در معرض تهدید و ارعاب و بخانه هایشان بسب بیاندازند روب و مکرمت شما هم در معرض تهدید و ارتباب و دشتام کسی و شاهی و تالتی واقع شوند. در آن حکرمت، مخالف یا انقلاب مقید،

معومت معمد با العادم سعيد پيرطن غرابكار، خان قالانه فرند در فرهنگ شد اطلابي، مرتد كافر، الطاطي و... بارها گفتهايم كه آتيه كه رويرد ازاديهارا در جامعهاي اليات در امراز ميكد امنيت است.

نکند ر در جوی از ترس و وحشت و دغدغه و تشویش بسر برد ر به یقین میتوان گفت که او ازاد نیست و در جامعهای غیر آزاد زیست می کند. جامعه بی خیر اراد ریست سی سب اگر نمی توانید بامنطق و برهان واستدلال بمیدان بیانید و حجت قوی ندارید بدانید که فحش و طعن و لعن ر تهمت و افتراً و پرونده سازی و و نهمت و امر، و پرو... دری .. چوب و چماق کارساز نیست. از گذشته عبرت بگیرید. فکر کردهاید گذشته عیرت بگیرید. فکر کرده اید که چرا آراد شما در منطقه ای در که چرا اراء شما در منطقهای در بیاسه شداد از یک میلیون به بیست فرار کاهش مثی باید؟ چرن برخلاف گفته ها ر ترشته هایتان بردم حق اظهار نظر ندادهاید، مردم را از متی شرکت و مداخله در امرزشان عملا معردم کردهاید، جوی از استعمال علم شدنگان این میکا از استصار طلبی و قدرت گراتی بر چامشه مستولی نموده اید، حقوق و سسوس سودی سرده اید حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی را با امنیت تامین و تضمین نکرده اید و معیطی بوجرد آورده اید که مردم بی تفاوت شده اند زیرا میدانند هر چه پگویند و هر چه بکتند شما براه خرد خیزوید و برای دیگران نه حقی قائل هستید و نه ارزشی. چرا که اگر قائل پردید فررا در مقام معارضه بر نسی روید مورد مو سم سدرسه بر طی آمدید و اگر فکر مقابله داشتید از مسیر اخلاق و انصافی ومروت خارج می تدید و اساساً این صلاحیت ضاعف ازکجا برای شما آمده که فكر وخطّ و راه امام را قط ر ر سر ر ر ر سمام ر. شعاتشخیص دهید و گفته و نوشته دیگران را تعییر و تفسیر کنید و آنها راً به مخالفت و معاندت متهم نمائید. آیا این اخلاق اسلامی است و شسا در مقام تعرفه و تبليغ چنين دعوت و مكتبي مستيد؟ مكر نه اينكه اولين اعتل از اصول دين ماتوجيد است. سین در اصول دین مانوخد است. ترحید را باتملق و چاپلوسی و چرب زیانی و مداهنه چه کار؟ اینها همه از اتسار و عوارض یک فرهنسگ استداری و استیادی و در خور مذاق و سليله سلاطين و فيصرها ماران استد ایضاً علی در این زمینه چنین میگوید: مفلاتکلمونی بما تکلم به الجهاره ولا تتحقظوا منی بما پتحفظ عند اهل البادره ولاتخالطونی بالمصانعة ولانطنوا بن استثقالاً في حق قبل لي ولا التماس اعظام لتفسي فاته من آب ارالسل أن يعرفي عليه كان العمل يهما القل عليه فلاتكلوا عن مقاله يحق اومشوره بعدليه ديامن بدانسان یحق ارمشوره بطلید دیامن بداستن که بایباران و سنسکاران سینن می گریند سیان نگرتید مناوین بر در دل و برق برایم یکار نویشد ملاحظه کاریها و تایید های مصابحی که درطایل خردگانگان آبراز می کنید درطایل خردگانگان آبراز می کنید مرسین خردصتان برمر می گلید برایر من اظهار تشاید باش برای گل تباشید گمان موید که اگر پیش سختی بگریید ر من گران آید ر با از کسی بخراهه بین تجاول و تکریم روا دارد که هر آنکس که

طالت علینن حرف حق و دعوت

یقیه در صفحه 🐧

داستان یک توطئه

بقيه ازصفحه اول

جیئیت مردی که گناهش فقط قیام بروظیفه سالامی و انسانی امر به معروف و نهی آن منکر است نوشته بروند و روزنامه اطلاعات را مجبور به چاپ آن کروند از تأثیر فوری و ناگوار این نوشته و افکار این نوشته و افکار سیلمانان ایران و مجامع مذهبی و محافل رحانی خبرتداشتند و یا اینکه با اطلاع از سامی تنایع پرفاجعه این جنایت أشکار منطق هیچ حکومت مسئول و هیچ انسان با دسی معی مسجد. ایا دولت آموزگار ووزیر اطلاعات ان نبلیغات چی های رژیم استبدات ایران از

و میلیهان چی متنیال جاپ آن نوشته بروز غواهد کرد اطلاع نداشند و یا اینکه این مقاله وسیله انفجار توطنهای از پیش ساخته بود و دولت ووزارت اطلاعات آقای اموزگار یا وقوف به جنایتی که زمید رِيْكَابُ أَنْ ازْ قَبْل نعيه شده بُود. اين مِقَاله ا برای چاپ و انتشار و به تصد تحریک و ایجاد فیجان مرمره مسلمان و هزاران هزار معشقد و مومن به راه اعتقادی مرموع خود که دولت آمرزگار و وزیر اطلاعات آن از قابصدای که چهاپ این مقاله ایجاد خواهد خواهد خاص از مین مقاله ایجاد خواهد بیگنا، و نتو یک شده و هیجان و نمی از مین از هیچرم بایس معادی و انش کندون بسوی بردند! آبا پردات و سازمانهای اطلاعی خواهد گذارد میخرد بردند! آبا پردات و سازمانهای اطلاعی مردم و در وزیسته آنتائی با احساسات مردم و عالاته آیا به شعر در ماره مذهب عالاته آیا به شعر در مراجه مذهب لمنان و حزاران حزار ایجاد هیجان تومردم م ر رضانه کیران کی احساسات مردم و در رضانه کیران کی مراجع مذهبی غواله آنها به شعار دینی و مراجع مذهبی خود اینقدر بی اطلاع و غاقلندا و با اینکه دستور چاپ خاله گذاشی دروزنامه ۴طلاعات برای نحریک عمدی احساسات از این تحریک عمدی احساسات اهدعات برای بحریت حتی احتیات مردم مسلمان و تحریک عبدی احساسات آنها برای وادار کردن آنها به ایراز نارضایتی و خشم خود و درنتیجه گشودن آنش برروی مرده و دست زدن به یک تشل عام علنی و أشكار به بهانه سراياتروغ مخالفت با أزآدي بانوان و اصلاحات ارضی و برهم زدن نظم از سوی اخلالگران!! میباشد؟ آیا درلت از ر سوی سدستون، میباسد: به فرت از میزان ارج و ارزشی که آقلی خنیش برافکار عمومی مردم مسلمان ایران دارد بی اطلاع بود؟ ایا مامورین مخفی و آشکار دولت از کیفیت همدوی عردم دومرگ کیفیت همدردی مردم درمرگ بولت از کلفت همدوی مردم درمرت فرزندایشان و هجرم مردم برای شرکت درمجالس ختم و ترجیم آن مرحم که حتی از کلرت اقبال منبو به تعطیل و جلوگدی از ادامه تشکیل این مجالس از طرف گاههانی انتظامی دولت شد خبرنداشتند و گزارش اینهمه هندری و این هجوم های حیرت انگیز مردم را برای شرکت درآن میران میو اطلاع روسای خود نرسانده پردند؛ آیا میزان ابتدال و ناجوانمردی و کین توزی و وقاحی که از نگارش آن مقال مین دوری و وصفی مدار معاومان مصاد کتائی بکار رفته بود خود با مقدار بی اعتبائی و بی حرمتی دولت خودکامه و فارغ از مزموح مستولیت فانونی ایران مرتوع مستولیت قانونی ایران فکل عدمہ مردہ مسلمان ایران بیت به افکار عنومی مردم مسلمان ایرا ابطه ای مستقیم ندارد؟ و نتیجه آنکه التشار اين مقاله و مستور چاپ آن رروزنامه اطلاعات از سوى مقام نول دولت چیزی جز یک توطئه اشکار سترل دولت چیزی جز یک توظه اشکار یا اطلاع از تمام عراقب چناپتباری که پهلی غراهد گافاست نبرد تعیده انتشار این مقاف چه برده ایجیاد و تحریک تمامیدردم مسلمان و درجاهم درجای ایران درایده آنها به درایغ ماهی دوام و مقدم و تهران در کت مسالت آمیز قروص ماجد و منازل از مریم مسلمان په سوی مینا طهور ناگهانی جسای طباي

ىروغ يە

سی هم مردم بود پین چه بود هم میکند. که از پیش و به هند از طرف درات و پیازمانهای انهیتی آن این چنن تهیه و ابرا

اجتماع در مساجد و وعظ در منابر تعطیل میشود: کسید و بازار قم دست از کار میکشند مراجع بزرگ روحانی با انتشار استان میکشند مراجع بزرگ روحانی با انتشار میشود و به قول غیرگزاریها متجاوز از ۲۰ کشته و چندین صدنفر مجروح و به قرارشایعات موکد متجاوز از صدنفر کشته اعلامیه زبان به اعتراض میگشانید. بیش از صد نفر از جماعت تهران و روحانیون و ر مدرسین خوزه های علمسی تهران و شهرستانها کتبا اهانت به مرجع بزرگ ورزشایعات موجدمشهبوز از صندیو مشته و گزیب یه ۵۰۰ تقر محروح برجای می گذارد از طرف دولت درمطبوعات ووسایل روحانی شیعه و قتل و جرح صدفهٔ انسان بیگناه مسلمان را با شدت محکوم میتمایند؟ خبری تحت سانسور کشور چگونه منعکس بیری بعد باستور بسور چمونه معتمد میشودگ خبراین قاجعه در روزنامه های دولتی اطلاعات و کیهان و آیندگان و رستاخیر بصورت یکسان بوسیله وزارت دولت میشود بیشورت یکسان بوسیله وزارت اطلاعات به روزنامه ها داده میشود و دران سد.ین سیس،سین سی سوسی رسترد. از طرف دولت نادیده گرفته میشود و همه حقایق این جنایت درجهت منهم کردن سد ساین این بساید ترجی سیم ترکی مردم و کتبان خلیقت و قانونی بودن عمل مامورین مسلع درقتل عام مردم بیگناه و بیدفاع وازگون میشود درمطلب تنظیم شده به محورت شده سی ارست و این به سکوت برگزار میشود. و این رزارت أطَّلاعات مربّعي كه بخاطر خواندن مقاله کذاتی به خشم آمدداند و یا به عبد و روی قصد از پیش تدارکِ شده بوسله مهگردد به حمله تبلیغانی وسیعس وی عمال مخفی امنیتی خشمگین شده اند در صورت دجسعي طلاب اخلالك

گروههای دیگری از بازاریان و محافل بروسین میشود: به پیزادیان و سیستان اجتماعی و سهاسی ملی یا اظهار تازخسایتی تفاهیای دادخراجی و رسیدگی میکنند. اما همه این عکس العمل های قانونی و مشروع ر سرت بویت بایده فرمنه فیسود و از بنوی مطبوعات دولتی و وسایل خبری که به صورت ملک طلق دولت پدرآمده است ..ک ت د روزهای آیند و یا تمهید مقدماتی که طبعا رورسی از هم اکتون در مراکز سری و علنی دولت و ستگاههای انتظامی و امنیشی آن فراهم میحردد به حمله تبیعاسی وسیعتی در روزنامه های دولتی و مجامعی که طبق معمول به زور و تهدید از طرف حزب رستاخیز بنام مردم بریا میگردد نبدیل میشرد. طورز فراموش نکردهایم که بعد از میسود. کوبیدن دانشجویان و روشنفکران با چرب و چمایی مامورین کنگره فوق العاده عزب رستاخیز و اجتماعات گوناگون فرمایشی آن در تهران و شهرِستانها باشعار مبارزه در تهران و تنهرستان بسعار مبارزه به استعمار و اخلالگران و نوکران اچنی بریا ثد و هنوز حزب رستاخیز برای محکوم کردن توطئه بهگانگان و تجات دموکراسی ریبا و اصیل آقای باهری و جعفریان دست از تشکیل این گونه مجامع قرمایشی و ایراد نطق های تو خالی و درج اخبار آن با ایراد تصفی می تو سایل در دری تفصیل دو روزنامه رستاخیز که مخارج دروغ پردازی و قلب خایق آن از خزانه مردم فقیر ایران با سخاوت فراوان پرداخت مردم هیر ایران با عادوت در ایران بر مشود برنداشتم است و تبلیغات چی های این در در داشتم است و تبلیغات چی های رخته آنها در ازگان رژیم هستند!! در روزهانی که آقای کورت والنعایم دبیر کل سازمان ملل ظاهرا برای گرفتن یول بیشتر سندوق سازمان مقل بدعوث دولت در

نشكيل مجمع عمومي كانون مخالف نمود؟ هم جنان كه تشكيل مجالس شعر خواس و تونهای متعدد روزنامه های تهران را سنونهای مست روزرد این فاجعه و جنایت اشکار عبال دولت حرزه های درس و اجتماع در سناجد و وعظ در منایر تعطیل سان در مراکز فرمنگی را یکلی تعطیل خترانی در مراکز فرمنگی را یکلی تعطیل ک د. ر ناسزاگوئی و تهست زنی و تهدید در نسزا دونی و تهمیت زنی و تهمید در کندر مطلات پلیسی با جالی و چوب و شلیک گارلد و تشل و جرح بهگاهاش و کنگ زند روشنگران و زندانی کردن آنها کاملا آزاد و مجاز است اما تشکیل کانون نریستگان و گذین و شنود فردگی و ادبی بی فعالیت داری در مشکور و ادبی بی فعالیت دیت و سود مرضعی و ادبی تا ا فکری و خلاقیت دهنی منترع میشود و این چنین است که دولت ایران در حالیکه در سازمان ملل برای جلوگیری از اعسال سازمان ملل برای جلوگیری از اعسال
شکنجه در جهان پیشنهاد میدهد اما در
زندانهای خود افرادی نظیر محمد دزبانی
چوان دانشجوی حقوق سیاسی دانشگاه
تهران را پس از مدتها زندانی بودن و
کارس در ۱۰۰۰ مدا که اماد ادا
کارس در ۱۰۰۰ مدا که اماد ادا
داد کارس در ۱۰۰۰ مدا که اماد ادا دا
داد کارس در ۱۰۰۰ مدا که اماد ادا دا
داد کارس در ۱۰۰۰ مدا که اماد ادا دا
داد کارس در ۱۰۰۰ مدا که داد ادا دا
داد کارس در ۱۰۰۰ مدا که داد که مهران را پس از مدنها زندانی بودن ر شکنجه دیدن و در طالحه یاهای از از شدن شکنجه از بین رفته بود بار دیگر او را به زیر شکنجه میکند و در زیر شکنجه از را نابود میکند موجودی بیگذاه به این از را نابود میکند موجودی بیگذاه به این او را نابود میکند موجودی بیخه به این سهرلت و با اینگونه سبعیت قرون وسطانی کشته میشود و برادر دیگر او یعنی دانشجوی جوان دیگر با محکومیت هشت ساله نظیر صدها و صدها جران دیگر هم انه تطبر میرد. و این چنین است که دولت ایران پنج نفر از دانشجویان دانشگاههای ایران را پس از مدتها زندانی بهبود برندستم است و نبیست چیکی درلت در حزب رستاخیز هم جنان مشغول افشا کردن توطئه بیگانگان و طوگیری از

شهر قم به شهر قم به صررت بعیش طلاب اختلاکی دیماه میشوند که در روزهای ۱۷ و ۱۹ دیماه که مصافه با روزهای آزادی زنان د اسلاحات ارضی برده دست به نظاهرات میزند د برضد مصالح ملی شعار میخددا و این اظاهر روند در ازشهر روز ۱۹ دیمان با چوب در سنگ به تخریب اماکن دیماه با چوب و سنگ به نظریه سادن پرواخته و سپس بسری کلانتری یک، شهر تم حمله میبردد و مامور بن که نا این لحظه پرحوادث نظارت میکردند!! با مشاهده حمله اخلالگران به کلانتری به مقابله دست میزننداا و در اثر این مقابله شش نفر کشته میرسد، و در در بین صبیعه مس معرفت. و ناؤه تیراندازی مامورین به سوی اغلالگران هنگامی صورت میگیرد که چهار نفر از مامورین کلانتری از طرف چهار نیر از مامورین معتری از طرف مهاجمان مصدوم و مجروح شدهاندااه آیا درهیچ جای دنیا مامورینی به اینگونه آرام و مسالت چو دیدهای که درتمام جریان حیله اطلالگران به آماکن عمرمی و تخریب از در حالا اوداد هر مثلات مطاقات أنها و تظاهراتشان هم چنان دوحال نظارت ب و سعرسی م پیان تولی شرک پرحوادث باشد و حتی درگار نظارت پرحوادث درهنگامیکه اخلالنگران به ر سرایی درست به ده به سخوان به کلانتری حمله میبرند آنچنان صبور باشند که نقط به شلیک هوانی قناعت کنند و فقط موقعی به سوی مُردم انش میگشایند که مهاجمان مامورین کلانتری را مضروب میکنند!!! آیا دفاع از این قانونی تر و مشروعتر و مظلومانه تر دیده اید که پلیس

سيتنداز ايا لدين و المعارض ميرا مشروعتر و الطرمانة تر ديدايد كه پاس دربرابر مابراجو ياتي كه درمخالفت با آزادي ترزيز و اصلاحات ارضي و حمله آنها به اماكن عمومي و مادن شعار بوضد اللع علي و حتى در حمله به كلانتري ابن چتين صبور واي بند قانور و مسئورات باشد كد نقط به تطارت برحوادث برنشيند و سرانجام از روی ناچاری به شلیک هوانی بهدازد و منگامی بطرف مهاجمان شلیک کند که مستقیا مورد حمله آنها قرار بگیردا! آیا تمامی جنایتی که در شهر قم اتفاق افتاد و ریشه و علت واقعی آن و تعداد کشته شدگان و مجروحین و دلیل جریحه دار شدن احساسات مردم همین بُود؟ آیا قاجعه ۱۷ و ۱۸ ر ۱۹ دیماد تم پخاطر مخالفت طلاب اخلالگر با آزادی زنآن و آصلاحات ارضی

برد: آیا دخالت پلیس و تیراندازی بسوی مردم بیدفاع پخاطر حمله مهاجمان به اکلانتری برد؟ آیا تعداد کشته شدگان شش الالارم بود؟ أيا تعداد كلت شد أكان شش نز و تعداد مجروحين ثه نفر بوشدا أيا كائي أطلاعات أز مراجع روحاني أم مراجات رسيدي كي دونان مقر ورحاني مرجات رسيدي كركه بوشد أو بسوى حقيت روافيت أنها المقال أم برشدا أيا مراز جمعي طلاب المقال أو برشدا بايا مراز جمعي طلاب المقال أو برشدا بايا مراز بيد يوني اجمادي و اقتصادي أز سري مندم حكالهاي فيري زير سائسور دولت مندم حيايت أشكار مامورين مساح دولت بر روزانده على موضي متعكس أفيها. أيا ايران مستند و طبق المارن السامي بايد در ايران مستند و طبق المارن السامي بايد در ايران مستند و طبق المارن السامي بايد در نهایندها دیمیس ام است باسی مرم ایران دستند و طبق قانون اساسی باید در کار دولت و اعدال ان نظارت و قضمی و پرسلی کلاد قانوند از دولت در مورد قابعه تام و علت و چگونگی آن و میزان کلمه ها و مهروحین سفوال کلاد و از دولت و مهروحین سفوال کلاد و از دولت و مسلسات ملحی آنها از ایل به وسیله انتشار طالدای که از طرف سازمانهای غول بولنی برای چاپ به روزنامه بلامسات فرسنسانه شده برد درایراد ے و رسوسی می وجود مساور معروض سئوال کلاس و از دوات و مغصوصا از وزارت دادگستری بخراهد که گزارش از طبقت این فاجعه جایت بار یه اطلاع آنها برساندا آیا حادثه ای که حتی بجويترين و تامرهاته لرين نسبت على موبرین رخ به مربع بزرگ روحانی شیعه طدای از پیش ساخت برای براد انداخن به اختراح این ارسانده ایا خانده ای حد ختی یا قبول غیز از پیش ساخته اورات در قبرهای شش گلمته و به مجروح به باز روی است پاید در همه روزنامدها بطور یک فیکل و مختصر پاپ شره در اغیار بونیکیل کیکی رسطانی و خبر مسخوری در این کیکل کیکی رسطانی و خبر مسخوری در این کیکل کیکی رسطانی و خبر مسخوری در یک حیام غون و یک قتل عام از مردم کان نست: اگر این جایت از بیش تعیه وید یک توطعه سازمان یافته و عبدی برای قعل عام مردم نبرد پس چه بردا اما جایایی

بازیوشی ایاز کالیل روزهای مد

گرفتــاری بازرگان روزنامه «نوی زوریخ» چاپ شهر زوریخ در مورد اشغال سفارت آمریکا در تهران چنین مینویسد:

ار ان اقامت واثبت و در ضیافت های مجلل

همر که عامل اینکار بوده روشن است که خواسته است بازرگان را در که خواسته است بازرگان را در شرایط سخت قرار دهد. بازرگان در اول نوامر در الجزائید با برزیسکی مشاور استینی کارتر ملاکات کرد در این ملاکات که یکساعت دید به طول اکنید آندر مسائل و مشکلات را بصورت باز و گسترده مورد بررسی قرار مافند و چین استناط میشود که یکییگر را خوب درک کردند بدون ایک یکر را خوب درک کردند بدون ایک مدهد او این ملاکه کاست شک. هَدِفَ لَزَ اينَ مَذَاكُرُهُ كَأَسْتَن رخامت اوضاع بین دو کشور بوده

بان ایرانی خود شرکت میگرد پلیس بولت استیدادی ایران در شهر مذهبی ام قربانهان فراوانی از مردم بیکناد را در یای ایشان و برای آوای احرام به او پیش

میجانگه یا سرکرین دانشجریان هیهانگده با سر ترین بانسیوی ر روشنگران آیرانی و ترقیات منطاجوان والتیجر و مضروب گردن آنها در کلاتتریها که خود شیره تازه این در جهت سرگرین آزادی و پاک کردن ساحت سازمان امنیت از چهایات عرفاک آنست در انسانه ساز آیای کارتر رئیس جبهور آمریکا نمایش ب در ریس بیبور سیعه سایش بسیار مهیجی از احرام راجم امران نسبت به طرق یشر به مصحه آورد قد و اکون زنتهایی ایران نه اینکه از دوم داران بیگاه زنبانی و محکوم خالی نشده یکک مدها زنبانی یکاد نازه میگر نو بنانها اداماله گهیمه است دولت نه اینکه به حدم داد که اینکه به اصلاد گریشد است. دولت که آینگه به تطخیلی شکر تریسندگان اداراد برای کلان مسئل و البات مسئل دریازیرب قانون جرایی شاد و ده تنها با جهای خود بسر آثان گروید و قان کرد که دولت آمروکار نظر دریالاک دیشتی خود تیمیگرنه احدامی برای ترایی قطر و بیان نظال تبدیل و بدخلاک فطر و بیان نظال تبدیل و بدخلاک اعضای خواند میری کارن به اشدیات با احدامی

..... بازرگان بعد از پیروزی انقلاب در برابر یک گروه اسلامی ک

این کمنین است که مجالس فعاشی و

رسمامهای ایران را پس از مدنها رسانی بردن و محکوم شدن و پس از سیری شدن مدت محکومیت آنها را به جرم مباحثه های

دینی و خد دینی در زندان۱۱ بار دیگر و از

واخل زُنْدان به محاكمة ميكند و از نُو أَنْهَا

را به ادامت در زندان محکوم مینساید. یعنی در زندانهای ایران برای زندانی نه اینکه خف اد

ر رسینی بودن بردی رسانی نه ایسه خی برای صحبت ر بحث وجود ندارد و نه اینکه در منطق رژیم استیدادی ایران یک

زندانی می بحث در زمینه مسائل مخالف مذهب ندارد بلکه بحث در جهت موافق

سبب بدارد پست پست در جهت موانق اصول مذهب نیز در زندانهای ایران جرم است و کسیکه در زندانهای ایران از

رست و نسیعه در رهانهای ایران از اعتقادات مذهبی اسلامی خود دفاع کلد به معاکمه و معکومیت مجدد کشیده میشرد و این ما را بیاد گفته یکی از ناراضیهای

پین ما را بهاد صحه یعنی او دراسی علی تبعیدی شوروی" بنسام بوریس ویل می اندازد که گفته بود وتنها جاتی که در

شوروی میتوان از سوسیالیزم حرف زد زندان است. من نمیدانم این گفته تا چه اندازه حقیقت دارد اما با شنیدن سرگذشت

زندانیان بیگناهی نظیر غلامرضا زمانیان و

ر بربو سه مرود میخواستند سفارت آمریکا در تهران را به تصرف هر فورندو سفیر آمریکا را بگروگان بگیرند عکس العسل ر، ہمروس بعیرت عصل مصل شدیدی نشان داد و گفت که گویا اینان نمیدانند که اینکارشان میتواند بأعِث شود كه امر يكا به أو أن أعلام بنگ دهد، باید قبول کرد که در نهایت این آقای بازرگان است که باید أشى دا كدوب جنورى اسلامي يا ها برایش پخته اند فرو دهد مترجم دکتر رضائی نقل از: نوی زوریش سایتونگ

رضی الدین تابان و معند عباس زانه دهستانه و حسن هنایت و ابراهیم دل افروز و معند شانه چی که به جرم بعث درباره مسائل مذهبی بار دیگر معاکمه و معکرت در این استان در این استان در استان سائل مذهبی بار دیگر معاکد و معکره تدند به این تعبه مرسع که اطلالات سن نظفوات بشر دینان مکرس ایران در معامل بیان اطلی و اصلال آن در داخل کشور در زیمه سرکوبی آزامی و طوی انسان مقدران آن در زیمه انسان مقدران آن در زیمه بیگاهان رفد از کجا تا به کجاست او آدمی سیون میماند که آفای کارار رئیس جمهور آدریکا میگوند مولیش در اک به باید ایران بوند در مصوصات اما میکند اقامی کارتر در پادامان حد میگرید مصحف ها ایران بزند در عندرستان اما میخد؟ افای کارتر در پارلمان هد میگرید: میشی ها میگریند بموکرایی اسیان بازی انسان ترویند است و قار آناشر اشتقال نحنی د گرفتاری بارند که قرصت فکر کرف به آناس اساد اساد اساد اساد اساد أواحد والشاوند اين مسطن واباوها عو سواسم رسی رسیسین سین بوجود برامز جهان کتیده ام و معمولا از زبان کسانی کتیده میشود که کنگشان سیر است و این حرفها را در کشورهای خود یا تکبه بر نامب عالى و مواضع كدرت يرتبر

اضول مربوط به طرق بلتر حکم نمیکرد که

منافع آن قدرتها تجاوز تمیکند و هرگز انجاد انجه را که به علوان مسئولیت و رفیقه برعهده ماست نمیشوان از دیگران در ها أفاى كارتر اين حرف را بجاي پارلمان هند ر پارلیان ایران بزند. زیرا رئیس جمهوری مریکا خیلی خوب میداند که مقامات ایران رفیعه برفید: مددر کشور ما در مه نظیر داشت مردر کشور ما در مه از جمله کمانی در دنیا هستند که با شکم سیدر باسیا مرم صور ما در معدار یک جغرافهای سیاسی هماس ر مورد نظر قدرتهای بزرگ و دارا بودن مدیع انرژی بير و از مواقع قدرت أزادى انسانهاي میمینه و تقیر را مسخره میکنند نسخه آنها اینست که انسانی که نقط بخاطر وجود مورد المشهاج مستايع جهان يرقدون فسنعش ر اختیار دائشن میلیاردها دلار درامد ___ حــ بسامی به بعد بعاطر وهود استبداد و قشار ناشی از استبدادیه قار و گرمنگی دانسی اقتباده است لیافیت غنی و معروم بُودن از یک سخت سمی و محروم بودن از یک سخیت اجتماعی و اقتصادی پیشرفته پخاطر نفوذ طولانی استعمار پیگانه و استیداد داخلی و وجود فقر و نا آگاهی مزمن فرهنگی مملت حقای طولانی در راه رسیدن به ازادیهای دافته ا رسعی دانشی اهسانه اینت بهای رخورداری از آزادی را ندارد، به نظر آنها نبانهای گربته باید نخست در زیر حکومت و قدرت مطلقه و فردی صاحبان بسوست و سارت مصف و مردی صاحبان بواضع قدرت برتر که شکشتان سیر و فیلی هم سیر و اندوخته های بانکی تنان حیان خود می در راه رسیدن به ارادیهای واقعی راهی بس مشکل و دراز در پیش دارند، اکنون همه قدرتهای بزرگ و کوچک مینی هم سیر و اندوست کای باندی کان لبریز از دلار است به رفاه اقتصادی برخد تا پس از آن بتوانند از مواهب آزادی و جهان از خُوان یفعای ما حصدای به قب بهان از خوان <u>بسدی سامندای به جند.</u> اعتبار او نفوذ او نزدیکی ودوری ^{هرد} برمیگیرند و در برابر این لقمه ها با رژیم ر بین بسود. بموکراسی بهرهمند شوند. اگر آقای کارتر این نسخه را برای درمان قفر و ظلم قبول ندارد چرا آثرا بجای تعلی در تهران مطرح سارد بیرا اور بیدی معنی در عیران معرح بکرد؟ و او که در روزنامه بالتیمورسان نوشته بود که دولت هانی که بر حقوق وننته بود که دولت هانی که بر مقرق انبانی و اصول قانونی هرمت نمیگذارند به برابر بهمداسی در کشور ما انجاه میگیرد می بندند. واسها و کمک ها بر قراردادها و خریدها و هدیه ها و بیشکش ساسی و اسون سوسی مشروعیت و مرجعیت قانونی خود پشت یا میزنند چرا یا دولتهانی که بطور علنی با زیر بربرست و سرید و سایه ها و پیسخس های رژیم به دولتهای خارچی به افراد سرشناس خارجی، به دانشگاهها و موسسات با گذائمتن قانون اساسی ملت خود حقانیت فانوني خود را از دست داده اند به مذاکره مي سرساس حارجی، به داستاهها و موسات خارجی همه در راه بنست آورون این حمایت او این سکوت است. دولتی که برای خرج میلیاردها دلار درامد نقش مملکت هیچگونه صابی به ملت خود و به پارلیان و رسی طور از است. بند. او در هندوستان از دموکراسی هند تجليل كرد أما در أيران تجليل أو متوجه جه ... بود؟ در هند به پارلمان هندرفت آما در ایران هیچترمه حبایی به مقت حود و به پارتمان ر به حبابرسی ملی پس نمیدادد، دولتی که در زمینه قراردادهای بازرگانی و خریمهای نظامی و کنک ها و وامهانی که بدیگران میداند و از دیگران میگیرد در مورد میباستهای غارجی در مورد کهیت نشب این از از در درجده عاد مخت وود در سد یه پارسان استان از کی دیدار کرد! تلقی اراز کشور، و از نظام سیاسی آن چه بود که نه یه پارلمان ایران رفت و نه با روزنامه نویسان آیران بیران رست و سه از دهوکراسی و خقوق بشر حرف زد و جز اشاره به شعر سعدی و بسر عرف از او جو استون ترجمه دست و بها شکسته آن فر وسایل اعتبارات و بودجه ما در بُخُش های مختلف غیری، مردم ایران بخاطر سانسور شدید و مصبرات و بروب فرهنگی و آموزشی و انتظامی و نفاعی و یری سرم بیران بسامر ساسور سدید و بخاطر اینکه از هیچ خبر و حادثه ای بطور راقعی تباید مطلع شوند تفهمیدند که از در کتاورزی و صنعتی و بهداشتی بر هیچ اصلی از اصول برنامه ریزی علی و ایران چه گفت ر چه شنید و چه دید. و این صفی از مطون برد. مسئولیت های ناشی از آن در برابر مجل گفته ها و شنیده ها و دیده ها تا کجا با افکار عبرمی پای بند نیست و هر معترض و متقدی را در این زمینه ها به بیکاری و مِسائل اساسي مردم أيران كه عبارت أز مساس اساسی عردم ایران که تبارت از آزادی و رهانی از قساد و اختاق است رابطه دارد و این دیدار تا چه اندازه منطق او را در زمینه حقوق پشر که خود را مدافع طرد از مشاغل و پا زندان و شکنجه و سرانهام نابودی سهل و آسان او در کوچه و خیابان محکوم میکند، حکومتی که صاف و او را در رمینه خوق بسر به خودرا سام آن قلبداد میکند توجیه میناید. حکومت ایران با ایجاد وقایمی تظیر کوبیدن صريع همه أصبول فاتون أساسى و صریم همه احسول فانون اساسی و ا آزادیهای فاترنی و حقوق اجتماعی و سیاسی اقراد مات را فارغ از فرگرته مسئولیت در پای متنافع یک گروه معبود حاکمه والیگارشی آن فربانی کرده است. ب روننفکران و دانسجریان با چساق و چلوگیری از تشکیل مجامع فرهنگی و استفاده از حقوق قانرنی مربوط به آزادیهای اجتماعی و میباسی و زمینه سازی و توطئه چینی برای ایجاد تظاهرات مصنوعی و سامه واليحارسي ال فرياس فرده المساب يا عاري شدن از همه عواصل و لوازه مشروعيت و خاتيت يک رژيم هم چنان با قتل عام مردم و شکنجه بیگناهان و زندانی

کردن حزاران جوان معصوم و مردانی آ گناهی ندارند و با گوبیمن دانشجویان و وسنفکران بوسیله چماق مامورین خود رکیمت میکند و در برابر قانون اساسی، للأحَهاى تازه و نيروگآمهاى ائسى حکومت میکند و در بربر صون سامی قلبقه حکومت وضع میتناید و برخلاف قانون اساسی مرده را از حق تشکیل اجتماعات و استفاده از حقوق قانونی محروم میتناید و خود با ابداع فلفه تازه محروم میتناید و خود با ابداع فلفه تازه برجهای باره و نیروناههای اسی از امریکا، ورود در صحنه آشوب آفریقا و خاورمیانه، دریافت میلیونها وام نازه از مراكز مالي بين الطلي و يرداخت كمكهاي مجانی و وامهای دراز مدت بدیگران و حکومت و تاسیس حزب سرناسری حتی ^{باه} يرقرازي مالياتهاي جديد بردوش مردم فقير برماری منابیتهی چدید پرتوش مرم هید ایران و مورد دانش در برابر نزل لاز و تسلیم خاند فراب کن در برابر نزل لاز و تسلیم در برابر نشیت قیمت نفت و بسیاری از اعمال دیگر که یمکنی از چشم مردم ایران پیچان میماند از جمله مسائل است که تسان بچان میماند از جمله مسائل است که تسان قانون اساسی را نیز برای محو شدن عملی و تهانی در متکته نظام شاهنشاهی و انقلاب نهائی در متحده طام ساهساهی و است. شاه و ملت قرار میدهد و این حکومتی است که یا چنین سلطه مطلقی بر اموال و دارانیهای طی کشور و بر دستگاههای دارانیهای طی کشور و بر دستگاههای دارانیهای ملی کشور و بر دستگاههای تقنینی و اجرانی و قضائی مملکت و بر مطبوعات و وسایل خبری جامعه برگزوزه پنهان میباند از جداه مناقی است کششان شیخی های تاکیکی ناشی از موطورات و شیخی های تاکیکی ناشی از موطورات و خوانی به به به بیانی و داخلی خود نرم به های تازید خرچه مربعی با ور اور این خربه های تازید این مناف این مرام که جز تامی از از پایی ناماند امانی جبران کد و حیر بیانی این این مرام که جز تامی از ان این این می میجول اصبابی ضعف ها و این این می میچل اصبابی ضعف ها و است دارد مدم بالی کرایانگیر میکوین است دارد مدم بالی کرایانگیر میکوین است دارد مدم بالی کرایانگیر میکوین عظیم و هولناکی از تبلیغات که چرخبای سیم ر سرسایی از نبیعات که برط دونده و سوخت محرکه آن از دروغ و ۶ و نشر اکافیب و اهانت ها و نسبت ا ر سر سیب و است کا و سید مای نامردانه و تجریف خابق است حرکت میکند. این گردونه عظیم و هولناک به سپر اهنین استبداد با نیفه های کشنده ای از سی است. با بهتا یی صنعه ای از خشونت و شکنجه و زندان و چناق مجهز است و هنگامی که جاانها د دانشخد.!!! -جوانها و دانشجویان و است و صحاصی هم جراب و دستجریان ر روشنفگران و کارگران و مردم ناراضی و معترض را در حال حرکت در سیر قساد و اختاق و چهاول علی در پناه سیر آهنین استبداد با تیفه های کننده شکیمه و زندان و چماق نابود میکند در بالای گردونه و چینی بابود میدند در پادی براواند تیلیفاتچی های حکومت در ضمن صلای انقلاپ و اصلاحات و پیشرفت بسری تعدن پزرگ و در حال له گردن و کشن روشنفکران و دانشهریان برای توجه وجود سیاست هیشه میخواهد وانمود کنند که مردانی خوب و یا اخلاق و بالبات هستند مرکز دردام آن تبادید یک عرد سیاسی . خود و تحمیق تفکار عمومی مردم جهان و خرد و تعمیق لنکار همومی مرده جهان را پاک کردن چوبه رفت استجاد و قسان شنباش خیالی ای ای خود میسازه و ما گیفرت راز ششیم تافقه و پاهر خاگین و خاگین و خاگین و گیگری به چلک استجاد و خاگین وطن و خاگین وطن و ترفته گزار داخش و خارجی میرودا؛ با تشکیل میالی میبایی و نیایش و کنگره و تشکیل میالی میبایی و نیایش و کنگره و که بزور و تفییل مافرورین امنیش و روسای اداری و صنفی طود به این میالی مربز برویم بن بیعید یک مرد بیشی خرب و یا اطلاق و با ثبات وجود ندارد سیاست یعنی بعد و بیتان بلید فضایا حرفهای بچه های پیشاهنگ است....» یرای تیروهای آزادیخواد و متوقی ایران يرس بورسي وست و عملاري در چهارچرب استقلال واقعي وطن ما و ازادي واقعي مردم ما وجود تدارد زيرا سياست غدرتهاي پيڪاند در مورد کشور ما نظير غدرتهاي پيڪاند در مورد کشور ما نظير

ده کشورهای ضعیف دیگر در بهترین و انسانی ترین شبکلش از مشود صاحتگی با

دكتر ابوالفضل صادق پور

نظريه تمركز وعدم تمركز ياديكتاتوري

حركت انفجاري انقلاب مردم ايران عليه حكومت شاه. انقلابي بود ن در هم ریختن نظام استبدادی و متمرکزی که فساد و قهر در جهت در هم ریختن نظام استبدادی و صعوس ب --- ب در ... هیچ آنگاشتن عقاید و آرای مردم را در بطن خود داشت. مرده قیام کردند و آستیداد را واژگون کردند تا امکان مشارکت خود را در سرنوشت در استبداد را واژگون کردند تا امکان مشارکت خود را در سرنوشت خویش از و استبداد را واز فون فردند تا امعنان مشاردت حود را در سرنونت خریش به دست آورند اما نسیوه مشارکت مردم در سرنوشت خویش از طرفی مسالدای است که از ابتدای تاریخ زندگی اجیماعی بسر تا امروز مورد بحث و عمل بوده است و از طرف دیگر کارگردانان حکومت پس از پیروزی می گذرد چه از داخل دولت رچه خارج از آن

خطوط ررشن و مشخصی از این شیوه را ارائه نداده آند در این مورد چانگه می بینیم میان کارشناسان حکومت اسلامی نیز در تمام جهات و جوانب اتفاق نظری وجود ندارد.

جوریب بیس بعری وجود سرب مکانیسم پیچیده حکومت در دوران ماشین و رضع اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم با توجه به بخرافیای سیاسی کشور اقتضا دارد که در این زمینه هر چه پیشتر و هر چه زودتر مباحث عمیق بررسی شود و با توجه به اوضاع و احوال و امکان نفوذ و قدرت اجرائی تصمیمات که در میان مردم است تصمیمات بنیادی گرفته شود.

در این زمینه ما اگر چه به دفعات نظر خود را گفته و نوشته ایم و اس هیچگاه از انتشار نظریه های اصولی و راهگشا دریغ نکرده ایم. این مقاله که نوشته ی آفای دکتر صادق پور است خطوط اساسیش از سال ۱۳۵۳ و در ارتباط با حکومت فری شاه بیای به وسیله ی ایشان بخشته منتشد که استان به دستان ایشان در خشه ایشان بخشته منتشد که استان داد. ر صدر ۱۵۱۱ و در رویت کشور است. تحقیق و منتشر شد. تروسنده علت بازنویسی و تغییراتی در آن را ارضاع و احوالی می بیند که امروز برجاهمه حکمفرماست. ما از اهل تحقیق دعوت کرده ایم و دعوت را تکرار می کنیم که در

ابن بحث های بنیادی نظر خود را بدهند.

۸ ـ عامل خارجی: ۱ ـ فرهنگ جامعد

ر درصت جامعه شاید مهمترین عامل در تمرکز و عدم تمرکز فرهنگ جامعه به خصوص فرهنگ سیاسی جامعه باشد. منظور از فرهنگ، کلیه آثار فکری و مادی جامعه می باشد. در سیاسی جامعه باشد. منظور از فرهنگ، کلیه آثار فکری و مادی جامعه می باشد. در سیاسی جامعه باشد منظور از فرصفت کلیه اثار دخری و داری جامعه می باشد بر این صورت فرمک سیاسی به مجموع افکار مردم برای فعالید فاهی سیاسی ماشد این مدر انواب و انتقابات و رسائل مادی رای گیری و غیره اطلاق می شود اکنون برای توجه پیشتر مطلب از دو جامعه که دارای فرحک کاملا مختلف مستند.

مثال زده می شود. جامعه اول مربوط به کشوری است که از مهاجران اروپایی تشکیل شده است. کسور آیالات متحب نیرند مناسبی برای این مثال است. هانطور که می دانیم هسته مرکزی این جامعه از گروههایی تشکیل شده است که به علت اختلافات مذهبی و تصادهای فکری سیاسی باره آی جر بلای وطن نداشنند. پس از خروج از تروین مادری اولین فکری که دعن مهابران را به خرود شغول داشت این بود که به معطر ساله داده از ۱۳۰۶ سررحین مدری او رون معری بدس مهاجران را به خود مصدی دیست بن بود همیه معشی پیاه شدن از کنشی و استقرار مرحله مکرنی کردن کا مطالط مطابق و خیر متد کر کا نیاسی کند. این مهاجران کوشیدند الگویی از دمرکراسی تصوری را در نام طاح باید کنند در این صدر القدر بیش رفتند که حتی می توان گفت راه اد اطاح مدت که حدادت استفاد است دند و کلیه مقامات را انتخابی و مسقیسا در برابر خویش مسئول نمودند عام محرام بیالاد لیساده با می محید در سیاسی او برا خوش مسئول نودند. افزاط پیرودند رکاید هاشت را انتخابی و مسئولی بعد بی می بین جین ترجید انتخابی نودند طفی که در خانواده یکی از این گروهها به دنیا می این به معلق انتخابی نمود خطی که در خانواده یکی از این گروهها به دنیا می این به معلق انتخابی می کند. در چهار سالگی احتمالاً خدام بدش به معرفی کمی می درود در این مسئول برای انتخابی از از الدین خود پرستهای می کند در سالهای بعد که طفل رشد فکری و جسمی بیشتری به مست آورد حالات عمیلتر و باسنها گریاتر می شرد به حتی که در ده سالگی تا حموص به فلسفه انتخابات یمی می درد ایمان بی شرد به حتی که در ده سالگی تا حموص به فلسفه انتخابات یمی می درد ایمان بی شرد به حتی که در ده سالگی تا حموص به فلسفه انتخابات یمی می درد ایمان بین حتی پس از فرنیه و سنها، هم ا دنون هم وفتی با جوانان افریکایی ده نوهوی جندماه به مستر قابل کرد این دارند فراند می در استرای که با شرق می گردند: حجا امسال و ارتفاعات شرکتمی کتیجه حافظه و از گرت که منبو به استخفای ریاست جهیوری آمریکا گردند بازاناب یک چنن فرهنگی است. به متعین عالمات بایستی آثار در خاطرات مربوط به انقلاب آبران نیز خط و با برای می در خط و با برای نیز خط و با برای نیز خط و با برای نیز حظه با نیز کنت توجه می شود.

گردد وقتی نزمراحل اولیهٔ سیرآموزش یا دوره های اولیه انتخابات. خدعه و نگی بیبتند و یا تصور کنند دراین وضع کاملاً مشهود است که محیط به هیچ وجه

یلی بیشتن و تصور مصد اوران وصع مصد سعود مستقد بسید برای برای برای برای برای در برای تصویر دست می مود ترکز کن با ۲. لزوم پیشرفت سریخ العصائی عامل دوم مل بایداد تیم کر لزوم پیشرفت سریع التصائی است. به طور کلی ری طرف سیاسی ری مادید از امریک سازمان دیرار مشکلات انتظامات و جنگها می کر طرف را الازم می رفانند بایداز تین تبدئه این مشکلات انتظامات و جنگها می کر گذرت را الازم می رفانند بایداز تین تبدئه این مدت انتظامات و جنگها می شرکز قدرت والازم می دانند به مواند به باید شدگان انتخابیات و بیشیجا می بیشید یک در رسی تا زیرفی شدا می دود که بیشیجا نمی بیشید یک در رسی تا زیرفی شدان می دید که دیشیا در زیرفی برنامه دادی پیشرفت اقتصادی میزدی چنگ است. مینیا بیشگر با نظر رنگی در بیشی گری با باشیده نمی دربار شیخ قر قرار می میشید نشیز انتخابی نشیج نشیج انتخابی این می در نامی در است که بیشتر از فرق دادی را با بیشیج است که بیشتر از فرق دونانها رفتی از اصطلا طاطعی خود داست و از آن از می

رسید میون بست به در روی میدور و سرت بردی بیت به در هام میدی در فرانسی در است. و در هام میدی در فرانسی در است و در مایی دارد به در در در است و در فرانسی در به در است و در مایی دارد به در است و در است و در است و در مایی دارد و در است و در مایی در است و در مایی در است و در است و در است و در مایی در است و در مایی در است و در است و در است و در مایی در است و در مایی در است و در

نیست تا بازناب روانی برای اموزش و برورش شخصیت و نفویت درک و تشخیص به وجود اید هرفتر این دروه ادامه باید به طور تصاحمی رفتار فردیکاتار راز ضوایقا اساس و اجسامی خارج می تبود و حتی محکل است به کردیک یک بر برسی از رضع درص با از فردی درص با با بادرشه اقتبار مصدائی جالب بن نحوه برورش مشصیت است تحقیقات بعدی نوستند جنین مصدائی جالب بن نحوه برورش مشصیت است تحقیقات بعدی نوستند جنین سون بحسب یست بررسی ادر دسی روسی رساز در است بدوره می در است در است. متعدان با این نوسته دیگر از میشان با این در می در است. نظیمان با این در در این در در این در ای

نظر نوسنده وقتر که اغلاب موقف بیشتر کسب کد معرشه گونه تر می شود زیرا از نظر روانی برای اوقیل تحصل نیستر کیده قترت سیستم سیاسی نکت بیالی دیدگر اینکه وقتر این نوع وهم بیشتر گرده قترت سیستم سیاسی دا معرف تراهم می گوید. یک کم برسی فقیل از نعوه حکومت اوسی جهارهم و نامی الدین شاه قامار و آثاریمهای این نعوه حکومت موضوع را به خوبی روشن می نتاید. البته موزمان حاصر که عصوبانان می معرکست این با در می رویزی به شرت می نواند مصدای بیدا کند زیرا شبکلات اجتماعی حضی است این روش ما گرا فرهمی به شوری به کار خود یعنه ناجل است یه به هم امر وجزئیات سایل رسیدگی کند و مرتبحیه فرنگا به کار کرشن حص شود و آگر سرسوی گار مسائل رسیدگی کند و درنتیجه زیرفشار باز، کنرش خومی شود و اگر سرسری کار کید تشتت نظام اورا از یای درمی آورد. همین رهبری فردی برد که شاه را ازیای

وسازمان على اطلاعاتي تسلط دارند لازم به بافاري است چنانهه درجامعه أي يمركز فرص باريكانوري فرص فامه بايد درجين جداسه اي نو طله جديدي با طبقه سيلت بالزان سرواگر اين سياستهاي مروطه بزرس و صناخ تيجه شرت حديد طبقه بيد و قرار دارند (اگر چه تركيه و باغث و نصر ده طبقه جدود در كمورهاي ديكاناوري فرص با ديكاناوري گردمي فرق مي کشا افراداين طبقه در نظام حكومت انقدرقري است كه مصولا قوام حكومت تداد عاد سايته سايت ان در نظام حكومت انقدرقري است كه مصولا قوام حكومت تداد عادت شايت شايت ان

در باش سیاسی و اداری مصر ما مقاهم شرگز و عدم تمرکز در یک مالت ایرام و پیچیدگی در مواود گرناگزئی به کار می رود ریشه این ایجام در ایدونراوزی های اجتماعی و سیاسی است. به طوری که مشهود است هریگ از نظامهای سرمایه داری و یا سرسیالیستی بکنیگر را محموم به استبداد که حداوارهای شرکز فدرت است. می کند و خود را بعر کرانیک می نامند رریشه این است ادادگری بسیار قدیم است و به فلطه بوشان باستان می رسد داشستدان عالم است که فلاسه استاد از داداست اخد تاکید داد سده دختان الداد. مصاده حری بیبار هدیم است و به فضفه یونان پاستان می رسد دانشمنان علم آخلاق و فلاصفه اجتماعی از زمان بیبار قدیم تا کنون در این مورد مثلق الهول پیشتند که اگر حدف، مطلوب و ملهول بود وسیله تبل به هدف نیا پاستی از نظر اخلاق مردونهای باشد یا خیر به به بهارت برخرود علی ایک دیگر نظری به عملی وقتی پیشدیده است که منجی به تنجیمه بیشدید شود و علی آنکه دیگران تیچه پیشدیده و عملی را که مدیم به ان تیجه می گردد درچیز کاملا جدا می دانند. ظام داشتندان ط قدار نظامت جادداد در مدافقه خدید که حدید مدادداد

عمی را ده منجر به آن سهجه می ترده نوچون تامیر چدامی ظاهرا دانشمندان طرفدار نظام سرمایه داری، مدافع طوی فرش هستند و جامعه را مجاز نمی دانند که برای هدف خود خوق فرش را نادیده بگیرد و نظام را میباز نمی دانند که برای هدف خود خوق فرص را نادیده بگیرد و نظام سرسالیستی را معکوم می کنند که در راه تالین فراشته علی جامعه فرق فرص را راعیات نمی کند ریشه ایهام تیر کو دعم میر شرخ در هدی میبار است در از ادر آن این را راعیات نمی کند ریشه ایهام ترکز به هر شیکل و صورت که باشد دو یک مورد وجه تشایه دارد و آن این را تک مظهر بیاسی، اداری و را سازمانی در حست افراد معدوی بخرگی دو بالازمانی در حست افراد معدوی قرار می کیده از در میگر فرود و میشار می کیده از در میران میکند و بالازمانی در حست افراد معدوی قرار می کیده از در میگر در از در می در این میکند و بالازمانی در عدم ترکز و خواهد به خاطر میباسی اداری و با تدری که در می در این را میکند اوری و با تدری کرده در خواهد که نظر به های مربوط به دس کراسی، دیکند اوری و نظری خواهد می کود. از خواهد می کرده در محدود داری در محدود داری به خواد در محدود داری بعد کرار می کود.

فرار می گیرد نکت ای که از ابتدا می باید مورد توجه قرار گیرد این است که مفهوم تسرکز و عدم تدرکز اعم از سیاسی، اشاری و سازمانی به صورت مطلق موجودیت پیدا تشی کند. چه در غیر این صورت بنای سازمان در بغو امر فرو می زیزد. به در سال با ذکر این مقدمه اکتون به تقصیل، موضوع را مورد بررسن قرار می

تیمرکز و عدم تیمرکز سازمانی تیم کز سازمانی وفتی است که مرکز نقل تصمیمیگیری در قدست بالای سلسله مراتب سازمان فرار گارد به جیارت دیگر اکثر تصمیمات تیسط دلیس و معاونان آنشادی کردند از طرف دیگر عدم تیمرکز سازمانی وفتی است که هر عضو سازمانی آنشادی کردند از طرف دیگر عدم تیمرکز سازمانی وفتی است که هر عضو سازمان بتواند با توجه به میزان وظایف و مسئولیت ها، تصمیم لازم اتخاذ تعاید به طُوری که ملاحقه مي شود مناي عدم تمركز سازماني تقويض اختيار است.

تعركز و عدم تعركز ادارى . طوری که می دانیم فلسفه وجودی دولت براین امر مشکی است که وظایقی را كه از طرف جامعه به آن محول شده است. به تحري انجام دهد. وطايف كلي درك را و سورس مرسد مرسوس و پیست می در دری دیگر جنبه عمرمی دارد ولی به هر حال تقسیم آمور به محلی و طای تا حدودی با ترجه به ترایط زمان و مکان آمکانیایر است.

دید به ترابط دامل و معنق اصطبایی ا با ای آی متصده ترا فرانی وقتی است که بهیت اداره آدوز معلی و عبومی تیرکزهای سه گان و زیر موجود باشد ۲ _ تدرکز انتخبارات و مسلاحت وضع قانون و دیگر طورات. ۲ نیرکز انتخبارات و مسیره اداری

ا۔ بمراز سنجیدات وضیع اماری ۲۰ تیرکز آمور مالی در صورت واحدی به نام پودیته کل کنور: اما از طرف دیگر عدم تیرکز اداری وقتی است که امور محلی ترسط مقاماتی که نمایند و معرف محل پاشند اداره شودنه مامور متصوب از جانب کفرت مرکزی،

مبر در حسم سعر اسبیسی می در در عدم در تدرگز وعدم تیزگر میلین دهش استانی تو است، بدین معنی که در عدم نیرکز مسابقی فدرت و مسئولیت ما بین میگوست برگزی و میگومتهای معلی مانند استان تبدیشان بیشش و غیره تنصیح گودید و این تنصبه خدرت و مسئولیت ماهد ترانی ناسبی میگوست برگزی و ایجالات به میراست بیشن بیشن فعد باشد در شعم شدگر سیاسی ایجالات بقارا برین تو، ملت، و قی، قضائیه از اختیارات وسیعی شدگر سیاسی ایجالات بقارا برین تو، ملت، و قی، قضائیه از اختیارات وسیعی

3. France

۲ ـ از دم پیگرفت سریع اقتصادم ۲ ـ بور و کواسیهای وسیع

ه میدن و کنیدندی انسان ۷ نروولیان

رویه خود کامگی نهد باید با تمام فدرت از گسترش ان جلوگیری کردو حتی بایستم باً عمل جراهي بعضي از رشته هاي ان را قطع نمود زيرا مردم كمتر الوده به مظاهر یا حسن اور علی بیشتمی در روسته شکل این و نسب عنوی از پیرا مربع اعظم دورد و با مساهم منفی بو رو کراسی می شوند. شکایت جامعه از نظام اداری دردوران قبل از سفرط و گرفتار یهای حکومت انقلابی در زمان حاضر ناشی از گسترش بی باتیل بو رو کراسیو، رام. با سازمانهای بزرگ عمومی است.

ار تشتن نظر عرامل بسیار موتروا بجاد نموکر ر نفی عدم نموکن شدن ملله یکی دیگر از عرامل بسیار کی در حال نوسه وقتی از ان حالت سنی خود خارج می شوند، قبل از رسیدن به دوره پیشرفت دهار نشت می شوند. این نشتن نافس از گروههای جدیدی است که به وجود می ایند و خود از برای شرکت دراعمال فدرت سیاس معشی مداند اگر نظام رهبری حاکم نشواند گروههای جدید را دوخرد جنب و یه هرصورت متلاشی کند این گروهها برای نظام حاکم و حتی سامیت ارضی کشور مُوجِبَ خطر می شوند. مشروطه خواهان ایران درحدود هفتاد سال قبل نمونه نسعیف و ابتدایی گروههای جدید بودند. گروههایی که در بیست سال مِلْ درمصر برنظام حَاكُم غَالبُ شَدَّد، سُونَهُ فَوَى وَ يَبْشُرُفُتُهُ كُرُوهُهَانَ جَدِيداست س درسم برسام در سام به سامه سومه نوقی و پیشرمند دروسیان به پذیرد. یکی از عوامل تجزیه پاکستان را می توان عدم نشخیص به موقع رهبران ان کشور برای جذب گروههای جدید پاکستان شرقی و شرکت آنها درحکومت دانست رای جدید فروههای جدید یا فصاد نرمی و برخد به او خوههای داد. در صور پیشرفت اگر و کرد کرد با این مردم پیشرفت اگر کرد باشد برخوردهای گروهی و اجتماعی به نحوی صالعت اصر خل وفصل آمی شوره رشتند تشقیف می باید خطری از این باید برای منام ما تا به موروزی این بدر درغیراین صورت جاو ای بیست که با توسل به تمرک هورت با شدن میارد و کرد مشارد نشتند این ظامها این است که گروههای جدید به علت کسب دانش و

اطلاع از روشهای دیگر حکومتی. نسبت به مشروع پودن قدرت رهبری سنتی شک می کنند. برای مقابله، رهبری سنتی می بایستی خواص کار پزمانیک (نبوغ خارق العاده) از خود طاهر سازد. به طرق مختلف اداب سنتی تقویت گردد. با گشاده رو بی ه مده از در محمد طوره موده محمد و و با با حداکثر امکان آنها را با روشهای غیرانسان و وسی انها را دروهمری شریک کند و با با حداکثر امکان آنها را با روشهای غیرانسان سرکوب کند: اگرزجال حاکم با گروههای جدید سازش کنند و آنها را دروهمری شرکت دهند به صلاح رهبری سنتی است. اگر شاه با گروههای جدید که همان سرمه محمد به صحح و هری منتی است 1 تر تما به از درههای چید که همان محافلین باشت بازش کرد: در در انها را درختان شرکت می می درختان مرفوط سه کرد البته این سازش نمی توانست در زمایتک فلم وضاد تا این حد رسمه یافته برد اعتجام کرد شده های باز از این سازش، نقابین ملحقه انگلتان، سرکت بر و از م هلد می باشد که در افزای بازش، یقامی خود درختا کو این ما مال اینکه این نرع بهر ریختگیهای اجتماعی، محیط بسیار نامساعدی برای اجرای برنامه های عدم کر به وجود می آورد.

۵.نصف. - بینوسی تبهیفی یکی از مشکلات عصر دانش است. با گسترش دانش و تنویرافکار سی. جامعه متطق جدیدی به خود می گیرد. از دیدگاه این منطق بسیاری از عمومی، باسته مستق چیهش به خود می خیرد. از دید دد این مستق پنیداری از رفتارهای سنتی میتنی برتبعیض به نظر می رسد. منطق قدیمی، اشرافیت یا نظام بزرگ مالکی را نه فقط قبول می کرد، بلکه جرخش نظام اجتماعی را بدرن فتودالیسم مککن نمی دانست. منطق آمروز عدالت اجتماعی را به مفهوم واقعی کلمه طلب می کند. منطق آمروز نه قلط می خواهد که تبام افراد سازمان های عمومی بلکه افراد جامعه از اصل حقوق مساوی برای کار مساوی بهره مند شوند. البته اجرای این امر . قار بسيار مشكلی است ولی منطق جدید تا این طاکیویین شده است. وقتی اکثریت قار کتان سازمان های یک نظام اجتماعی احساس کنند که نسبت به آنها تبحیض می بار سان سازمان مای یعت عدم اجتماعی احساس شده به اسباب به آنها بطیقی می شرد دچار ستیز روانی می شوند در این شرایط اگر برای ایجاد عدم تمرکز، اختیارات واگذار شود، از اختیارات تفویض شده ممکن است در راه آرامش ستیزر وانی ستفاده به عمل آید. اما از چنه منفی ان درحد افراط، با مثال دشمشیر را به دست

. سبت دادنه می توان موضوع را توجیه کرد. یکل عصرما این است که باوفور اطلاعات و دانش و گسترش وسائل سيس مصرمه باين سب مه پاوتور أحضات و داش و تعترش وسائل ارتباطات جمعي، ثيغ تهيش دانت درچنم افراد جامعه فره من رود. نكته جالا إيكه اين تيهشات موارد مفروهات فراست د مفروضات ممكن است براساس شايعات و مباني غاط ساخته شده باشد. اگر مفروضات عضر يا اعضاى سازماتى سایقان و فیلی طف الناطعة نظایات. امروضات حدود با تحصی این باشد که مدیر سازمان شخصی فاشد و نالایق است و بدون استخلق به این مدت گیانتیه شده است میه احساس تبعیض می کنند. حتی انان که از آن مدیر احتیالا نالایق و فاسد نالایقتر و قاسدترند.

نتيجه أينكه درجوامعي كه تبعيض درعالم خارج و با تصور وجود دارد. اجراي برنامه های ایجاد عدم تمرکز با شکست روبرو می شود و منجر به تمرکز شدیدتر می

یکی از مرانع ایجاد عدم نیر کز کمبرد نیروی انسانی است. بزرگترین فار ذاتی کشورهای موحال پیشرفت فار انسانی است نه سرمایه. درآمد سرشار کشورهای صاحب نفت این موضوع را به وضوح نشان می دهد. تصمیمگیری و حل مشکل احتیاج به دانش و تجربه دارد. اجامی مرحله دوم فاتون جدید استخدام کشوری در مورد تطبیق وضع کارمندان با ضوابط طبقه بندی مشاغل کمبود نیروی انسانی را به وضوح بیبان می کند. اگر چه می توان ادعا نمود که ایران دربین کشورهای درحال پشرفت از لحاظ تیروی انسانی غنی ترین آنها است ولی درعین حال کمبود نیزوی نسانی همه جا احساس می شود.

ترج رظيفه علاره برتمام عوامل موجود نوع وظیفه هم عاملی درایجاد تمرکز و یا عدم نمرکز است. شاید مهمترین وظیفه دولتهای کشورهای درجال پیشرفت استفاده از ترم کر است. شاید ههشرین و طیقه دولههای کشروهای در طال پیشرفت استفاده از شهره برنامه در بزی به منظور تدریخ درام پیشرفت می باشد برنامه ریزی در سطح کشرو فروانع پیش به افزای و سازمانی اسکانهترینست به همین علت است که کشروهایی که از لحاظ طرز تفکر سیاسی با تمرکز قدرت منافانند از روش برنامه ریزی هرسطح کشور استفاده نمی کنند به طور کلی ماهیت امورستایی طوری است که با تشرکز سازهی بافراست، و از طرف دیگر امرو اجرایی با صف با عدم تمرکز بیشرفت می کنند به هنوان مثال وزارت نیرو قسمت اعظم امرازهرامی سانف توسط خود وزارتخانه انجام می گیرد.

اد علمل خارس.
المرز تكليره و الزحاف سيدم تقريبا بيته خارج شد و به صورت سيسم
المرز تكلير المودانية الد. ننظور الرسيسم بازان است كه سيستم دانه با معيط خود
ودارتها الساد و بطانهه ارتباط قطع شود سيستم از شكل خود خارج می شود
ودارتها الساد المرز مج مح كرد رون بست تم از حاصل خارس بران المدهم الماده حين امريك
نيز كه مقصد ترين كمورهاي بجان است از اين حكم كلي مستشي شي بالد. متها
وديم اهيت و العمل خارس براى كدورها با يكب كم يكسان بست.
وديم اهيت و المعل خارس براى كدورها بي كاب كم يكسان بست.
و از ايناها في يعدن نيز موضوع خصوصا مواكس مي المواكس بهان سرح خار شال المهت
و حي يقيي نظم حاكم و اكر وطرورا مناطع ميناه في المهادي بهان سرح التي المالي
و حي يقيي نظم حاكم و اكر وطرورا مناطع ميناه بهان سرح التي تمال المهت
بسكى عادر عراقد نظم حاكم يمك كندر تمرك بيشتر طاشعه الدوران تناقياني المالي
عراسا غيرين طراق قوت يشتري خواهد يود مشافا به اينكه سياست خارسي الروسات

فود منبور به تبرکل درسیاست هایی خاریش کشور نیز می شود. به توجه به این عوامل مخطف. تغییر نظام از تبرکز به عدم تبرکز و یا بالمکس به حرید به بین موسعتمه نمویز سعم در موان به سع موان و یا بعض به صرف تصریب قود طائف یا تصمیم فردی انتخال پذیر نیست با که بایستر و شد پاهوآنها و هوایش مواد و پرسی قرار گیرد و با تقیید این عراصل مقدمات تغییرات مورد نظر فراهم گرفت ولی پایستی به خاطر فاشت که تبرگا یا عدم شرکا و بک

د و یه جسن بیستد بلکه هر بکیا دار ای معالی و مجسنر انسان که بولید ب در این اطالب و استان بیسته باده هر اصادرای معیدی محسبی است یا بسته به عوامل محیقی در این ممال استان می کار است اطالب کی بردگری فروس کی در در بردگری فروس کی در انگلس در این که شکل معیدی در کر که صوره چوبی در وابعه در از بروی نکار از برداخلی یک شکل معیدات در دردیده یکرانش میان استانده از استخدادهای مدیران شاسته، مرست در تصمیم گیری د خیرو ی پاشد، معید استخدادهای مدیران شاسته، مدید استان استانده از استان در این استان استانده از این استان استانده از این استان استانده از این استان استان استان در این استان استان استان در این استان استان در این استان استان استان در این استان استان استان در این در این استان در این در این استان در این در این در این استان در این در در این كبيره أي جون غير الخلاقي بودي. فساد و البعيض در أن وجود دارد. رابطه مسد . بعيض با نعركز قدرت از اين لحاظ است كه در سركز قديت نظاءً از كنتول حرج به عَبَارَتْ دِيكُرْ نَهُ تَشُويِقُ دَرَ كَارَ خَوَاهُدِيوْدُو نَهُ تُوبِيغُ وَ دَرَ حَدَاقُواهُ أَنْ حَنَى برأى قسد هم مجازات وجود ندارد و جون در اعمال فاسد نفعي است كه در اعمال صحيح نیست از این لحاظ طیعا نظام اماده اشاعه فسادمی شود و استعدادها به سوی اعمال مدرست پرورش می بابند. در این مرحله فساد همه جاکبر و قانون جنگل ظاهر می شود. ارزشهای انسانی تصعیف و مظاهر مادی تقویب می شود و بطام حاکم قدرت مبدرزه بنا آن را از دست می دهد و سرطشنی جز زوان نمارد آبار زیم نمدراهی جز زوان دانست؟ به تمام این - اوصاف در بعضی شرایط محاسن تیم کر به حدی است که می بابستی تمام مضار آن را تحمل نمود. به عنوان نمونه اگر فرد دیکننوری می جه می بادستی معصدان در دستن مودیه به شون مود در ورد دیستوری می تواست به موقع فرد: علان مکومت کشوری چر اینان را در اعتیار گردر و در حلاف اصرال انسانی به هر نحم صکان مخالفان شور را تسلیم کند شاید می تواست از بروز این فجایع طرکیری نساید. (البته این مطلب فقط جید نظری و تصوری دارد زیرا اگر صحیط لیواپ می کرد به طور نظو در اینان تودیکت برزی نصوار مادوره اربره امر حجید ایجیاب می بردید سور حد در بیان بردید سر. با مشخصات کاربزماتیک قبلا خود نمایی کرده بود.) از دید تنوری دیالکتیک هگل نیز موضوع قابل نوجید است. زیرا با توجه

این نظریه چون در تمرکز قدرت، مخالفت مقهرمی ندارد. از آیین لعاظ در برابر هریز. انشی تز به وجود نمی آید که در تتیجه سنتز ایجاد شود. بنابراین تکامل متوقف می ی و په تربود سی چه اما در سیبه مسر چهاه سود. پدیرویلی معامل میتونیم هی شود. با این توصیف ملاحظه می شود که همین عدم مخالفت که در بدر امر عامل تسریع پیشرفت می شود در طول زمان تبدیل به بزرگذرین مانع پیشرفت خراهد شد.

م پیشرست می شود میر صورت از ایران در ایران می او بود) م مخالفت نسبت به شاه بزرگترین مانع پیشرفت رژیم او بود) اما وقتی بین نیروهای دولتی تعامل وجود داشته باشد با حربه انتقاد کفدیه نفع امه وقمی بین بیروسی دوسی نعموں وجود داسته باسد با حربه انتقاد همه به مع دیگری می جرخد. و به منظور جلوگیری از چنین وضیعی. گروه از اعضای خود انتظار دارد که از حدخود پافرانگذارندو وسیله انتقاد بدست گروه با قدرت مخالف ---ر دارد به در مناطق پیشر مشاولت و وقیقه انتقاد پست فروه به ندرت چهافت. بدهند. با این وضع محیط برای اغشته شدن به فساد آماده نیست. حال انکه در تمرکز. گر چه سیستم تحمل انتقاد را ندارد ولی اثر نیز ندارد و به جای انتقاد از یکدیگر. اگر که سیمندم نعمین استدان اعداد وی اثر سیر سارد و به بینی حسور ترتیب سعی می کنند با استفاده از روشهای مختلف خود را به مرکز ثقل قدرت نزدیک سازند. در این مسابقه عددای موفق می شوند و حلقه اولیه اطراف مرکز تملل را تشُكيل مبدهند آين حاقه أوليه أست كه پس از مدتي به ُبكُ سخوان میدهدد. این خطعه (واید است به پین از اندای به بات ا مستجکم نیدیل می شود از این دژ مستجکم تیریای اعمال تیریشن و اساد استفاده می شود در طرل زمان بطور تصاعدی تیریش و فساد اضافه و خلقه تنگیر و مستجکم تر می شود افراد این خلقه اولیه (اسداله علم منوچهر اقبال، جعفر شریف امامی، اشرف پهلوی و در این اواخر امیرعباس هویداً.

والطوال راوي مرابيل فالحلاونية فوافيد يوقب الجالدي ريين در موجود در در موجود خود ما يوخود كان در در اين و درد. درازم فاين داري در از درمورث اورم پراي حقل قدر قهان شخصي و درد. قريز دهد داريد قولي اگر چنو فرمش دركتوري دهداد درد و درم درد درد. درج ورفقد آداري در خدور نقطه آختما مي درجد مي آيرز

السبلة برا حرب این مسئل مشکلات اینسی تری در دیر جراح برده در آداد.

ا برای به شاه خود از در سمی فیسر در این به است کردی و بریشون دیداد جداد مینی به این اداد جداد بین به این اداد بین به این ب للمنا فر جنبا ابن مسئل مشكلات المدسى ترأن در اين جراح برور ابن أ عنصدوي و احتماعي منجلي من گردديه دست سارهان فاي اداراي معارفي ه نبود و أزّ أنجا كه نّطاء ادري يك جامعه خرد جزين از الال جامعه السند الناحه مود و این مجد عد عدد دری چند چندست مود بیرین در سی درست. جامعد در قبول هدف ملی هماهنگ بیشند آن نقاء فردی نیز در دهرایی و اجرا هماکند. ر همراه کخواهد بود و همرن عامل مجددا باعث تشدید کمرکاز قدرد. مُهم شاه المشكلات بنيادي شاه در احرأي اصول خرد به همين علت بوار.

مسجدات پیشون شده در خرای اساق خواه مساین شده از نگر به هر خان مسائل راهنمای وقتی به این صدر کند ر ایندی یک خاند دور و بسلسل مشکلات را چون کلاف سردر کمی جلوم می وهند که طاهرا و شاعد راهد خماس می شود که راه ختی برای آن موجود بیست

نه این نَظریه نَبایستی نومبد کننده کند. یکه از ره نوجه را به دستان ر

بين هفه ميشد. شايد سرح ترين وسيله إيجاد عده تيركل نظرو كلي اين است كه همره ب برقراري غدالت اجماعي به مقهوم واقعي كلمه بابحث برنامه جامع، حداكثر كولشي در ارتفاق سطح دائش سياس جامعه معمول گردد. ***

. انلی که در این سبحث آمد و مطالعه وضع موجود می توان نه گرفت که نظام رهبری یا دولت فعلی هر جد در آیجاد نوعی نوآفق ملی و ایجاد نظم و ارامش با معیارهای معرکراسی ناتوان نو شود راه را برای ایجاد یک نظام متمرکز و يگ سركوبى وسيع ثبه قائيستى هموارتر مى كند.

این توصیه ایجاد توافق ملی را نه تنها به حکومت و دولت بلکه به عمرم گروههای سیاسی طی نیز باید کرد، حتی انها که انبوه جمعیت را چون سیل می رومهای میسی می میرید. وانند به حرکت در آورند باید گفت که تاریخ نشان داده است این سیلهای احساسات ه زودی معرکه میشود را جون تخته پاره ای به این سو او آن سو خواهند کشانید و نان را در کام سیل غری خواهند کرد. برای اداره جامعه باید قوانین آن را شناخت و با به نظام پیچیده زندگی سیاسی و اجتماعی امروز مردم را عملا در راه ایجاد يك جامعة ميشرو حاكم بر سرنوشت خود دانست و دُر أين سرنوشت دخالت اگاهانه

عدالت انقلابي

بقيه از صفحه ۲

عدالت را ندارد عمل کردن بحق و عدالت برایش طاقت فرساتر است. پس ازحق گوئی و توصیه بعدالت یس ارحق خوتی و توصیه بعدالت خودداری نکنید، این اسلام علی است. آیا رفتار و کردار شما چون علی، است که در پی برقداری حکومت بون حکومت او هستید؟ یا شرايطي كه بوجود أورده ايد جوي از مریسی نه پوچود اورنداید جوی از نا امنی و شایعه پردازی و دروغزنی بر جامعه ما حکمقرماست که هیچ کس اگر چه سالیان دراز در راه أعتلاي كلمه حق واستقرأر أزاديهأي مردم و حکومت قسط و عدل_جان مبارزه كرده باشد از هيج اتهام رً افترائی در امان نیست. حیثیت و پرو وامنیت و اعتبار اشخاص رز رئیس و اختیار انتخاص رئیلدایت برای تسویه حساب شخصی به مجرد اینکه بخراهد م را ازشغل و مقام و مسئولیتی که دارد برکتار سازند یا مجبور باستعفاء نمأيند باران تهمت واتهام رأ بر او فرو می ریزند و در وسایا ارتباط جمعی هم با آب و تاب عنوان می کنند و آنهنان محیطی برجود میاورند که شخص تگران جانش میشود چه هر احظه ممکنت عدای راً بر او پشر رانند و به عنوان کافر و را بر او مد انقلابی نابودش سازند. در حالیکه قرآن میگوید دولاتفف در حالها مرد میشود در مالهای میشود که مالهای میشودی به میشودی میشودی میشودی داچننیوا كثيرًا من الظن ان يعض الظن اثبه أزّ گمانها بیرهیزید که پاردای از آنها کناد است.

حده است که پجائی رسیده است که کفیر پجائی رسیده است که فضات دادگستری پیشی کسائی که در اوانهها و حیلیت مردا آشمین و انامین کند. مداون دادسرای شکایت برده اند معاون دادسرای مدرسرا ماهندی میگوید مدرسرای دادسرای مدرسرای دادسرای مدرسرای دادسرای مدرسرای نهران به ورید محسون مربی ورید هر محیط ارعاب و تهدید بازیرس چگونه میتراند اطاق حق کشده (روزنامه باسیاد مورخ ۵۸/۸/۱۵) روروب پیچید طورج در به به به بیشترین تورات و صفید طعلق از هر چامهدای که خوزه همل دادگاه و محترم پشدارید و تنوع عقیده و سایقه دادگستری روز پروز محاودتر شود. و مکتب را از ضروریات جامعه

وعدل باشيد و عدالت را توسط كسانيكه واقعاً عادل و مورد اعتماد مردم هستند اعمال كُنيدٌ. تُوجُّه داشته بأشيد كه والملك يبقى مع الكفر باتبید. ته «انفعت یجی سے --ر ولایتی مع الطلب حکومت با کفر باقی واستوار می ماند ولی با ظلم ددء. نمر یاید. و این گفته ها و قاضی نتواند رفع تجاوز و دفع متجاوز کند دیگر نه فقط برای تامین متجاوز کند دیخر به عصیری سبین حقوق و آزادیهای مردم، محل و مرجعی باقی نمی ماند بلکه زندگی روزمره هم ممتنع میشود و مردم کم کم آزاینهمه هرچ و مرج بجان میاند تلاست ماده مدار موان و دل دیری نمی پاید. و این گفته ها ونوشته ها محدود بزمان و دوره مُشَخْصِي نبوده و نیست. اصول و مسلماتي است که «باشير اندورن شد و با جان بدر شوده نه برای خوشایند و هر قلدر بزن بهادری را بجان و دل رب بین بر سوست بری در کسی گفته و نوشته ایم و نه داعی و تهسید و غرض دیگری غیر از خیروصلاح ملت و کشور داشته ایم و و مرج و مرج و مرج و مرج و خودسریها و خودمانگی ها مارک و برچسب انقلاب نزنید انقلاب نقط از طمن و لعن و تهدید و دشنام و نای واژگونی یک نظام و برقراری نظامي جذيد نيست بلكه بايد كليه

ارزش ها و نهاد های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام

سیاسی، فرصحی و استعمل کام ساقط شده متحول و دگرگون شود. انقلاب یعنی اینکه کردار و رفتار و

روش و نحوه عمل شما با رژیم طاغوتی متفاوت و متغایر باشد واگر

همانَ فَرَمُولِها وَ قَالَبٍ هَا وَ عَنَاوِينَ

همان مرمونها و تانتها به السارين برای سرکوب مخالفان و خاموش کردن هر فزیاد اعتراضی و انتقادیکار

گرفته شود توسل و تمسک به عنوان انقلاب كارساز تخواهد بود و ماهيت ضد انقلابی این اعمال وافعال بر همگان روشن خراهد شد. در آیه ایکه در صدر مقاله آورده ایم خداوند به داود پیامبر خطاب میکند که تو ضد أتقلابي أين أعمال وأقعال

جانشین من در زمین هستی و باید حکومت حق را استوار و برقرار

نمائی واز هوی و هوس بیرهیزی که یگیراهی خواهی افتاد وقتی هوای نفس ممکست بر پیامیران چیره آید و

تحت تاثير احساسات و نفسانيات

خود واقع شُوند وازمسیر حق و عدالت خارج گردند ازما که تهی ازعصمت و

طهارت آنان هستیم چه توقسع وانتظاری میتوان داشت؛ و ما می

و اسرای میمون مستد و در اید گوئیم چرا سرنوشت مردم را ید خودشان واگذار نکنیم و چرا اصل حاکمیت مردم را نیذیریم! بگذاریدیر

مصوبات مردم ولايت و حكومت

داشته باشد، بمردم آجازه بدهید در آمورشان دخالت بکنند و تاثیر بگذارند، نظرات وعقاید همکان را

های قانون و منسویات و

بدانید، در پی برقراری حکومت قسط

اتهام و اقتراء و چوب و چماق هه واهمهای نداشته و نداریم زیرا که بقول حافظ

. مُنَّ وَ مِلَ كُرِ فِدَا شَوِيمٍ چِه بَاك

مره من رسد سون سلامت اوست گذشته ماگواه صادق بر این مدعاست که در مبارزه برای ازادی واستقلال و عدالت اجتماعی ازهمه چیز گذشته ایم و هر خطری را پذیرا بوده ایم و یحتمل که جان خود را هم در راه این آرمانهای مقدس از د... بدهيم وئي أنجه كه باقي ميماند ايران و ملتُ ایران است و امروز باید بفکر ایران وایرانی بود که فردا خیلی دیر

اتفاق افتاد. او درزندگی پربار خودبیش ^{از} ۶۰ مجلد از متون مهم اسلامی وشیعی را ب - بید از سون هم اساسی و اینانی از این نمهٔ قات مفصل وجواشی عالمانه خود پچاپ رسانید. یعضنی از انها یقرار

ربرست: ۱- تفسير گازر تأليف ابوالمحاسن برجاني در ۱۱ مجاد ... ۲- ترح كلمات پيغمبر (ص) از قرن نفتم هجرى

هنتم هبری آل بن محدشترانسازی در ۷ جاد ۱ الیمانس تالیک اصدین محدیر تی ۱ الیمانس تالیک اصدین محدیر تی از محدثان بزرگ نیمه در خرد مرد هزر در مدتی تالیف عبدالجلیل قزریش دانشد بزرگ مدتم جمری در الایماح تالیف قطل بن شافان نیمایری از ایران امام محمدتقی راماه کا دادان محمدتقی راماه

بینابوری بریاری حسن عسکری (ع) ۷- افضارات تألیف ایسراهیم بن محددتقی ازمورخان بزرگ اسلام درفرن

مااین فنایعه را به عموم علمای اسلام ومخصوصاً خاتواند های محدث وآل احد. صعیمانه تسلیمت می گونیم

متأسفانه دنباله مقاله تحقيقي أقاي دكتر مرتضى كتبي تحت

شكست امام تنها شکست دین نیست به مناسبت ترا<mark>کم مطالب</mark> به شماره اینده موکول شد

یک ضابعه

حتی درحکومت اسلامی متاسفانه عنوز کمانیکه صاحب داعیه وظاهری نیستند اگرچه بزرگترین خدمات را به استفنای فرهنگ اسلامی کرده باشند. بی سروصدا زندگی می کند ویی سروصدا

ازفحول علياي محلق أسلام وشيعه أزاين سته بود که پانزده روز پیش از جهان رفت رنام نیک خود را پایرجای گذاشتن بیش از ن چاد کتاب آساسی چاوید کرد. سيدجلال الدين محدث درسال ۱۲۸۳ مي دواروميه يدنيا أمد. تحصيلات

مقدماتین واقبیات فارسس وعربس را در زادگاه خود فراگرفت و بعد به مشهد رفت ویهارسال از خوزه علوم اسلامی آن شهر بهره گرفت. درسال ۱۳۱۸ درمیرستانهای رسید بر میوسته چی تیریز پغترین پرداخت ودر ۱۷۷۰ و رود روستها به تیریز به تیران آمد ودرکتایخانه ملی با عنوان رئیس منطوطات آن کتابخانه بخدت پرداخت پس از آن بدعوت مکرر دانشگه مطول ومطول بان دانشکه رفت ویتفریس مشغول شد وفاتش ساعت ۲ یامداد شنبه ۵ آیان ۱۳۵۸ بعلت سکته قلی

حشن استقلال الجزايرو

از واقعیت ها است. به ویژه، چگونه می توان از تکنرلوژی حاکم بر جهان

سود برته رلی به روابط اقتصادی و

معرد بریا رقی آن بی اعتفا ماند؟ این تضاد را چگونه باید حل کرد که در

اجتماعي بر هواپيما و اتومبيل سوار

مینه می بر حربی شوند و از تلویزیون و رادبو و تلفن استفاده کنند. ولی لخراهند

دشواری های اجتماعی و اخلاقی ناشی از ان را. جنانکه هست. مشاهده

کنند و برای ان درمانی متناسب

ناگزیریم که پلیدی های اخلاقی

ناشی از ماشین را با وسائل فنی آن

یکجاً بپذیریم. همه هنر در این است

که ماشین در خدمت انسان درآید. نه

اینکه اوصاف متعالی انسان قربانی این مخلوق غول آسا شود. ولی، این نکته را نیز نباید انکار کرد که

استفاده از این فنون نوعی ارتباط با

جهان و پذیرفتن پاره ای رآه حل های

بین المللی را نیز ایجاب می کند.

برای نمونه. اگر ما بخواهیم از نیروی

بری صود بهریم. ناچار بایستی در تصادم دو کشتی در دریای ازاد یا شیوه رفت و آمددر ابهای ساحلی نیز

به پیمان های بین المللی و قواعد حاکم بر این گونه مسوولیت ها احترام گزاریم، دادگاه های ما باید چنان باشد

که خارجیان نیز بتوانند به حفگزاری

مزاحم به ما ننگرد. زیرا، نه ما توانایی

بر هم زدن نظم جهانی را داریم و نه

برای حفظ اخلاق و معنویت مذہبی

خُود نياز به أن داريم. پس، بهتر إين است كه از اشكال

اصلی فرار نکتیم. بخش مهمی از دشواری ما در این است که چگونه

باید اصول اسلامی را، چه در زمینه

حکومت و سیاست و چه در زمینه

اقتصاد و حقوق و اخلاق. در دنیای

کنونی پیاده کرد که تضاد و برخوردی

روی ندهد. هم اکنون نیز در زمینه

تلفیق حکومت «جمهوری» که بیگمان مفهومی غربی است با داسلامی بودن حکومت» به تردید و

دردسرافتاده ايم ملت الجزاير نيز براي

با این دشواری روبرو بوده است. با این دشواری روبرو بوده است.

بنابر این، چرا نباید از تجربه های آنان

بند آموزیم و استقراء و تجربه و مشاهده را مبنای کاوش در راه یافتن

بهترین رأه حل ها قرار دهیم؟ آیا پاسخ اب برسشی ها آموزنده نیست که ملت

این پرسش ها آموزنده نیست که ملت الجزایر چگونه برنامه های اقتصادی

و اجتماعی را با معنویت اسلامی در

أميخته است؟ تا چه اندازه در اين راه

توفیق یافته و در چه مواردی با بن

ت روبرو شده است؟ عواملی بست روبرو سد است باعث پیشرفت با مانع از انجام آن شده اند تا چه اندازه در ایران وجود دارد و چگونه می توان از عوامل مفید

سودبرد و با موانع میارزه کرد؟ با نگاهی سطحی و دو روزه نسی توان به عمق انقِلاب و دشواری

ها و پیروزی های آن پی برد و این کمال ساده لوحی است اگر کسی

حان ساده نوحی است اگر کسی بخواهد، با توجه به بهای گوجه فرنگی

و گوشت، در باره مسأتلی چنین عظیم

و پیچیده داوری کند. بنابر این، آنچه در این باره گفته شود تنها پرسش ها و

در این باره طعه سود نها پرسس ها و استنباط ها و فرضیه هایی است که باید مبنای مطالعه قرار گیرد: برای مسافری که به الجزیره وارد میشود، نخستین احساس این است که در این شهر همه چیز رنگ

فرانسوی دارد: مردم، زبان فرانسه را

بسراتب بهتر از عربی فصیح میفهسند

همگام كردن «اسلام» با «سوسيال

أن اعتماد پيدا كنند و دنيا بديده

بيابند؟ مقصود من اين

است که ما

دورنمای اینده، در پیش روی ما باشد. از نجربه های آنان پندگیریم د فطاها را تكرار نكسيم. اكر واقع بين نخواهيم سرلوشت خرد ست طوفان حوادث سپريم. هيچگاه گونه مطالعه ها غفلت حیکتیم و به پیروزی ها مغرور می تسویم. زیرا برای همیئی. می توان به حکم دل اعتماد کرد و از راهبری های خود بی نیاز ماند و جامعه را به اتکای ایسان و حرارت تقلابي مردم بحال خود واگذارد. اين رود عظیم، تأ در اوج قدرت است باید طبيعي و مستقيم خود را بستر طبیعی و مستقیم خود را پکشاید. وگرنه زمانس که حرارت ها به سردی گراید. نیازهای مادی : به سردی و اید. میارسی سارگی آن عاظفی و عوامل خارجی به سادگی آن را به بیراهه می کنند و آنگاد است که انسوس ها و حسرت ها نیز گرهی نمی گشاید. بنابر این. شرکت در این جنن در صورتی مفید است. که آغاز یک سلسله بررسی ها و تجربه اندوزی های اقتصادی و اجتماعی باشد و به دید و بازدیدهای تشریفاتی

هیج مُلتی نباید. بی چون و چرا و طور دربست. اقدام دیگران را نمونه آرمان های خود قرار دهد. قانون حاکم هر جامعه را تنها با تجزیه و تحلیل عُوامُلُ ویژه أَن می توان کشف کرد. راه حل های اجتماعی و حقوقی ستی بومی و با توجه به این عوامل برگزیده شود. با وجود این. نباید چنین بنداشت که پدیده های اجتماعی بطور تصادفی رخ میدهد و هیچ فانونی بر آن حکومت ندارد. کشف. بن گونه فوانین دشوار است. ولمی بباید از بررسی و تحلیل عوامل اجتماعی مایوس بود و به انتظار حوادث نشست یا از تلاش باز ایستاد ِ همه چیز را به قضا و قدر سپرد. مطالعه علمي انقلابي مانند الجزاير، با ان همه شباهت ها كه با ايران دارد، ضرورتی کست که می توآن از آن تجربه آموخت و پندها گرفت.

هر انقلاب به راه خود میرود و

برای مثال، یکی از دشواری های اصلی ما این است که چگونه اصول اسلامی را با نهادهای کنونی سازگار کیم. شاید آسان ترین راه این باشد که از تلفیق درگذریم: یا اصول اسلامی را فرامنوش کتیم و به سوسیالیسم غربی رو أريم و همه مطاد عدن را از خارج بياوريم. يا از مدن غرب چث بیوتریم. یا از کنان عرب به شیو. پیشینیان خود انتخاب کنیم و دربندر همگامی با جهان کنونی نباشیم. ولی، با اندکی اندیشه این هر دو راه حل را نا ممکن و زیانبار و غیر علمی

می یابیم: از یک سو، اگر بسان فیلسوفی خیالپرداز به وقایع نگاه نکتیم و در جستجوی واقعیت ها باشیم، چگونه می تسوان غلیان احساسات پاک مذهبی و جذبه های روحانی و معنوی را در جامعه ایران ندیده گرفت؟ را در جامعہ ایران ایک موتور پگونه می توان از عاملی که موتور انقلار , جنین نیرومند شد صرفنظر انقلابی چنین نیرومند شد صرفنظر کرد و آن را در بنیانگذاری جامعه ينده بحساب نياورد؟ برجسب هايي مانند ارتجاع و دگماتیسم و مانند اینها نیز نسی تسواند واقعیت را دگرگون سازد. مگر اینکه ادعا شود انسان خالی از اعتقاد و سنت و خاطره نیز وجود دارد و این انسان خیالی و بوک می تواند مینای حرکت قرار گیرد و نیازهای او آرمان انقلاب را

وحتی در زبان بومی ومحلی نیز بسیاری از لغات واصطلاح های فرانسه را بکار میبرند، کتبابها ومجله ها فرانسوی است. ماشین های سواری ساخت فرانسه است. جمع از سوی دیگر، بسیاری از مفاهیم اخلاقی جهان کنونی کهنان با مدن ما در امیخته است که ندیده گرفتن آنها نیز چشم پوشی از بخشی

کثیری از خانواده های فرانسوی در الجزيره زندگى ميكنند ودر گرداندن صنعت این کشور نقش اساسی دارند. رستوران ها ومغازه ها نيز كم وبيش بهمين سبك أراسته شده است وتازه واردان چنین میپندارند که به گوشه ای از خاک فرانسه قدم نهاده اند. گونی الجزایریان با استعمار فرانسه نجنگیده اند واکنسون نیز هیچ خصومتی با فرهنگ وتکنولوژی

وروبنده ومردانی با لباس عربسی ومحلي ديده ميشوند. همراه با ماشين که دولت از فرانسویان میخرد. موتور كاميون واتوبوس وتراكتور نيز ميسازد. أين ها نشانه أين است كه انقلاب الجزاير خط استقلال واصالت های قومی وملی را ملازم با زدودن فرهنگ وتمدن غرب ندیده است. بیگمان چنین روحیه ای به رشد سریع فرهنگ ملمی واصیل وبسریدن وابستگی های اقتصادی صدمه میزند. ولی در عوض از دشواری های دوران سازندگی میکاهد وواکنش های نامساعد داخلی وخارجس رآ کدامیک از دو سوی این معادله را باید برگزید: زدودن کامل فرهنگ

های بومی وقومی؟ به گمان ما این هر دو را باید مردود شمرد، که یکی به بی هویتی ودنباله روی میانجامد ودیگری به عقب ماندگی و تعصب. این کمال ناتوانی روجی است، اگر قومی از بیم عقب ماندگی خویشتن را فراموش کند و فریفته و شیدا به دنبال دیگران بدود. یا بدنیل تعص ونزدیک بینی، خود را در زندان سنت های کهنه محبوس کند واز هراس غرق شدن جوی های گوارا را نیز از انبان آبی که ذخیره کرده است دریغ دارد. هنر حکومتی مردمی وروشن بین در خط تعادل بین مصلحت ها است. باید دید چگونه میتوان علم خارجیان را در اخلاق ملی محاط کرد وبه استخدام در آورد. این علم. تنها به پزشگی وماشین سازی محدود نمیشود. اقتصاد وجامعیه شناسی وحقوق نیز در این زمره است. بکار بردن شیوه های مبارزه و پیشگیری از وقوع جرائم واتخاذ سیاست اقتصادی وموع برام واعد سیست الصادی میتنی بر علم وتجربه از ضرورت های زندگی کنونی است، منتها باید تیرجه نیز داشت که راه حل مطلوب تیران همیشه به تتایج دلغواه ومطلوب داگراه همیشه به تتایج دلغواه ومفد

در یکی هنر ایجاد تعادل بین ستون های فرهنگ ملی وعواملی که پویائی آن را تضمین کند، هنری است تجربی، داشتن هدف وأرمان لاژمه پیشرفت است ولی کافی نیست. هیچکس نمیتواند ادعا کند یا انتظار داشته باشد که به همه آرمان های خود میرسد. باید أزمود وتجربه أموخت وشکست خورد وادامه داد وانقلاب ميتواند ميداني مساعد براي تجربه أموزي باشد..

به بخش اصلی جشن، یعنی رژه

به بخش اصلی جشن، یعنی رژه نیروهای انقلابسی وارتش وجهاد سازندگی، میرویم تا آموختنی های آن را بازگو کنیم:

این رژه با شکوه با هیچ سخنی آغاز نشد و و خلال آن نیز توضیحی ندادند. در مراسم ومیهمانی ها نیز نطق و خطابه ای در کار نبود بدرستی نیدانم چرا. ولی گویا انقلاب

رب از سوی دیگر. در کنار زنان ومردانی که به شیوه اروپائی لباس پوشیده اند. زنان بسیار با چادر تخفیف میدهد. پس، این پرسش اساسی در ذهن هر کنجکاوی مطرح میشود که، از لحاظ مصلحت گرایی، غرب يًا بي اهميت شمردن أصالت

سیانجامد وهرگروهی از ماهیان د. دریایی میتوانند رشد کنند.

الجزاير بدين نتيجه بسيار بديهي رسيده است كه «دوصد گفته چون نيم كردار نيست، بايد دهان بست وبازو گشود به ویژه، در سرحلهٔ سازندگی. بیروی کار پشتوانه انقلاب است نه دادن شعارهای آتشین و گفتن کلسات زیبا. در تائید این فرض، میتوان مضمون یکی از شعارهای رژه نوده های کارگران و کشاورنران را یادآور شد که نوشته بودند: «کارگر و کشاورز انقلاب کرده است که کار کند نه بیکار باشد و مزد بگیرد». ایکاش روزی چنین شعاری را مانیز پیشاپیش کارگران و کشاورزان خود ببینیم و مطمئن شویم که انقلابمان پیروز میشود. ایکاش میراث خواران انقلاب، بجای تقسیم غنایم، در انديشه كار و آيثار بودندو خودنمايي جای خود را به «غیرخواهی» میداد و پشتوانه انقلاب را سنگین تـر و استوارتر مساخت.

بهرحال، رژه با نصایش تصويرهاى سران أنقلاب وشهيدان شروع شد وهمه با کف زدن های طُولاً نی و برخاستن از جای خود به این رزمندگان وفداکاران ادای احترام کردند. چه سنت پسندیده ای چرا که جوانان نیز با دیدن چنین تجلیلی از انان برای خود نمونه ومدل میسا وبهمان راه میروند. ولی. در آن میان جایی برای «بن ِبلا» نبود وهمین تحريف تاريخ بزرگترين نقطيه ضعف رژه بحساب میآمد. زیرا. اگر جنگ هرتها بنواند شخص دگرگونه سازد و به بهانه اندک خطائر زحمت ها وخدمت ها برباد رود، اعتماد عمومى وصداقت انقلابي نيز لكه دار میشود ودیگران را به انزوا وبی میسود ودیگران را به الزوا ویی تفاوتی میکشد. یکی از بزرگترین افت های اجتماعی که بسیاری از انقلاب ها را به بیراهه کشیده این است که گروهی بخواهند کاری جمعی وهمگانی را تنها بخود نسبت دهند وقدر فداکاری ها وزحمات دیگان را نامان را این

برسيخيزد رفته رفته دشمن اصلي رآ از خاطر ميبرد وانقلاب را اسيب پذير پس از عکس های مجاهدان. كتابُ وقلم أورده شد. تا نشان دهد ملت الجزاير، در كنار خون شهيدان، به مركب دانشمندان ونويسندگان نيز أرج مى نهد. اين نمايش جالب، ناخوداكاء اين پرسش را به ذهن من

دیگران را ندانند. این روحیه «استکبار» است که باید از فرهنگ

انقلاب ها زدوده شود، وگرنه فتئه ای که از جنگهای داخلی وخانگی

آورد که. اگر ما نیز روزی جشن پیروزی انقلابمان را یکیریم، چنین ارجی را برای نویسندگان آگاه ومسئول خود قاتلیم؟ آبا یاور داریم که نوشته کسانی که بموقع سدهای خففان را شکستند وحقایق را عربان كردند وباعث تهيج افكار بمومي شدند ونخستین فریآدهای اعتراض رآ سردادند به اندازه گلوله مجاهدان وخطابه سخنوران ارزش دارد؟ ایا هم اکنون برای این جمع معدود در انقلاب ما جای شایسته ای در نظر گرفته شده است؟ أيا علم جراغ راهنمای موتور نیرومند احساس عمومی است؟ ایا کوشید. ایم که قلم بمزدان وخود نمایان حرفه ای را از صديقسان واكاهان ودنسسوزان بازشناسیم وهر انتقاد وراهنمایی را دلیل بر توطئه یابن ایمانی به انقلاب ندانیم؟ وسرانجــام آیا مشاغـــل ومسئووليت ها بر مبناى صلاحيت ها

توزيع ميشود؟. من نمیدانم که در الجزایر پاسخ این پرسشها را چگونه میدهند. ولی نمایش کتاب وقلم در پیشاپیش دوران سازندگی ودر میان نیروی های انقلابی، دست کم دلیل براین است که اعتقاد دارند «بایستسی» خ ها مثبت باشد ومقام والأي جهاد با قلم وعلم در هر شرایطی محفوظ بماند. جنانکه پیامبر اسلام نیز در گرماگرم انقلابها وشمشیر زنیها وجهادها اعسلام کرد که مرکب دانشمندان برتر از خون شهیدان است. نکته دیگری که در نسایش

نیروهای انقلابی بچشم میخورد. میل به وحدت وگرایش به جمع آوری تمام نیروهای آنقلابسی بود: وحدت چریکها وارتشیها، همگامی زنان با حجاب وبی حجآب. رژه توده های کارگران وکشاورزان در کنار هم. مارمون و مساورون در عدر شعبار «تعبادل انقبلاب صنعتسی وکشیاورزی» ویسیاری شعبارها ونمایش های دیگر، نشانه آن است که انقىلابيون الجزاير بدين نتيجم رسیده اند که جز از راه اتحاد وهمېستگى به نتيجه ای نميرسنــد وتفرقه نيروهاي اجتماعي از توان انان میکاهد. این حقیقت را ما نیز دریافته ایم، ولی راه رسیدن به آن را بدرستی نشناخته ایم. جامعه ای به دوحدت، میرسد که قدرت تحمل و بردباری در جناح های گوناگون و. به ویژه کسانی که آداره امور را بدست دارند. وجود داشته باشد. تازمانی که مرحله نخستین انقلاب به پیروزی نرسیده بود، وحدت «هدف». یعنی

ــرنگونی نظام پادشاهی. همه قشرها را در یک صف قرار سیداد. همه پذیرفته بودند. که بانک «اقه اکبر» پيام انقلاب است. سپاه انقلاب. جناحی در چپ وراست نداشت. **همه** با هم مهربان و یکدل بردند و شکوه این همبستیگی بود که پرسس تمسام نارساییها سایه افکند وجهاتیان را به ایمجاب واحسرام وادار کرد. ولی. همین که دیرارها ذرو ریخت. رادها نیز جدا شد. کاروانی چنان عظیم چند پاره گردید. هرکه راه خود گرفت واز یاد برد که دیگران نیز یار وهمرزم او بُودند. تنها راه نجات این بُود که در طوفانی چنین سهمگین همه جناحها. هرکدام به گونهای درهدایت کشنی خالت کنند و مرزی بین خود ودیگران سم نکشنـد، ولــی. چنین نشــد. بازار نهستــها رواج گرفت وهمه خواستند تا نردبان ترقی را برگرده دیگران نهند. ب رویهای تند وکودکانه باعث چپ رویهای تند وکودکانه باعث فشردگی جناح های ارتجاعی وقشری شد وتنگ نظری های، اینان به بازارگروه نخست رونق پخشید. در اس مان شاید تنما مرکان تا این میان شاید تنها مردگان تا اندازه ای از تیر تهمت ها مصون ماندند. دکتسر مصدق، ها ودکت شريعتىها وبعدها مرحوم أبت الله طألقاني مقام شايسته مليي ومذهبى خود رآ به حق یافتند. لیکن زندگان همچنان در معرض حمله اند گویی تصفیه ای دامنه دار از سربازان انقلاب در جریان است، چندان که ظریفی میگفت شعار ما این شده است که «زنده مرده باد ومرده زنده

بیگمان اختلاف های مکتبی در دو ران سازندگی قابل پیش بینی بود. ولی صف بندی ها از این مرز نیز فرائر رفته است. بزرگترین خطر جدایی نیروهای کارآ ومنخم ازتوده های وسیع مردم عادی است. گروه دوم، روشنفکران را غرب زده مینامند ونقش آنان را در انقلاب مشکرند وگروه نخست مردم را مجذوب وجاهل میپندارند. درحالی که اگر عاقبت بین باشیم بایداعتراف کتیم که نه علم اینان پدون گرمی واحساس مردم بكأ رميايد ونه احساس آنان بی چراغ علم وتخصص راه بجایی میبرد. ما به انقلاب دیگری نیاز داریم تا فرهنگ وتحمیل، را بزداید وتحمل وبردباری را جانشین آن سازد. باشد که ما نیز روزی بیست و پنجمین سالگرد پیروزی انقلابمان را جنن گیریم.

ضربه استعمار از کجا بر ما وارد می شود بقيه ازصفحه اول

دراختیار شیاطینی قرار میدهند تا از جهان متمدنز ویرانه ها سازند و دنیای زیبا و دوست داشتنی را برساکتان آن جهنمی موران کنند. تصور میکتم که از ذکر نبونه حاق بیشمار آن در زمان های مختلف و بو پژه دردوران کتونی بی تیاز باشم.

نحوه آموزش و پرورش درمراحل پیشرفته آن، یعنی دانشگاهها، علمرغم گوناگونی راههای انتخاب شده بیشتر تحت گوناگونی راههایی انتخاب شده بیشتر تعت تاثیر روش دآزادی دانشگاهی، واقع شده است که از هام هولتس آلسانی پایه و مایه گرفته است. چنین روشی از آموزش و پرورش میکوشد تابه تعصیل دانشگاهی سص، عدفی انسانی پخشد.

برای حسول به چنین هدفی باید برنامه جامع و صحیحی تدوین کرد و چنین برنامه ای را که باشناخت و اطلاعات کافی و با تکه برخواسته های اکثریت مردم تهیه میشود به اجرا گذارد ر در اه انجام آن باخرد اگاهی وقاطعیت گام برداشت. این مهم تنها بادادن شعار و ادای انقلام سرواردن امکان بادادن شعار و ادای انقلام نس یابد به مغزی سرد و قلبی گرم و نیرونی سرشار نیازدارد. برای انجام آن باید هدف شخصی داشت و درچهار چوب فکری معینی عمل کرد از طرح برنامه های عوام

فریانه اوری جست و درتهید و تدوین طرح های مترقی فریب عوام نخورد درست است که شکل گرفتن و تبلور یافتن فرضگ یک قوم تنها بوسیله قشرتحمیل کرده واحتمالا روشنفکر اتبعام نمیگیرد بلکه بخش مهمی از آن ساخته مردم

کوچه و بازار و اکثریت خاموش است تجربه نشأن ميدهد كه محصول فكرى اقليت تحصيل كرده و احتمالا روشنفكر نيز بخش قابل توجهی از فرهنگ ساخته شده ملتی را تشکیل میدهد و این تحصیل کرده ها اکثرا از آموزش مشخص درتشکلات فرهنگی منظمی از دبستان تادانشگاه، سود جسته اند اگر به درست اندیشیدن این قشر اهمیت می دهیم باید حداقسل جسته الله من دفيم بايد حداقسل دردانشگاههايسان اصول واهداف زير

> رحید مورد ام اولین هدف دانشگاه تربیت شخصیتی دانشگاهی باشد که آزاد می اندیشد و به آزاد اندیشی ارزش میگذارد ۲- چنین انسان تعلیم یافته و شخصیتی داد گادد. دانشگاهی در رشته معینی تاحد تخصص آموزش مییابد و کارشگاس رشته ای علمی

اد برای رسیدن به هدفهای بالا باید دردانشگاه محیطی منطقی پدید آورد و درحینی که برای هده دانشگاههان شرکت درسائل اجتماعی و تفکر درباره مشکلات و مسائل جامعه وظیمه است و آموزش سیاسی برای هر دانشجو و استاد لات م حد از است لازم و حتی، از سیاست بازی درمعیط درس دوری جست چرا که بین آموزش دانش سیاسی و شرکت درحل مسائل اجتماعی از سوئی و سیاست بازی و دسته بندی های سیاسی از جانبی دیگر تفاوتی فاحش وجود دارد. محل درس را نیاید صحنه سیاست بازی و اختلاف های تاکتیکی احزاب و

دسته ها ساخت بنحویکه براساس تدریس و اموزش علمی اثر گذارد و بروطیفه اصلی دانشگاه که اشاعه علم و فرهنگ است سایه ادازد درزمان حال متاسفانه شاهد آنیم که گهگاه دُرس خواندن و علم اَموختن در تابعیت از نظرات سیاسس روز قرار کادر أموزشی دانشگاه که از طریق

در هورکنی دانشد. شوراها انتخاب و اداره دانشگاه را بعهد، میگیرد باید در مرحله نخست به این اصل واقف باشد که: آگاهی و اطلاع از خرد و علم معدود پشری خود نیروی معرکه ای برای کار بیشتر و رغبت افزونتر در انجام تحقیقات و فراگیری بیشتر علم است. با چنین آگاهی کوشش دانشگاهها تنها در تربیت افرادی متخصص و صاحب علوم و فنون خلاصه نیشود بلکه آموزش و فنون خلاصه سیسور پرورش افرادی مومن و معتقد به مرزهای نامتناهر انسانیت و آگاه از نیروی نامتناهی انسانیت و آگاه از نیروی خارقالعاده و بودیعه گذارده شده در انسان رای دستیایی به چنین مرتبهای والا را نیز

در پرمیجود. چنین مدرسینی آگاه و صاحب نظر قادرند که به دانشجویان جوان کشور بیآموزند که از موضع یک متخصص و دانش آموخته بهتر و اسانتر میتوان در حل مسائل اجتماعی و سیاسی موثر افتاد بنابراین آنجا که مسئله آموزش علم و بدست وردن تخصص در سرلوحه برنامه قرار میگیرد درک مسائل اجتماعی در حوزه یگیرد درگ مساس بسید طلاعات عمومی واقع میشود امروزه دانشگاهها در سطع جهانی و امروزه مانشگاهها در سطع جهانی و

بویژه در کشورهای پیشرفته صنعتی اگر عدف های والای انسانی خود را تا حلودی بقیه در صفحه ۷

داستان یک توطئه

یقید از صفحه سم

كشيده مبشواد فريادهاي هلهله و سنايش و نابید از خود و پاسخ به دنستان ملت!! بیرون میکنند ان جنانکه آقای هما:نگ کننده حناح سازنده در کنگره حزب رستاخیز میگوید: هجرا مخالفان اصول خوجودیت ایران از بحث و گفت و شنودوافعی سیاسی فرار میکنند: ۱۶ ما نه اینکه مخالف با مُول موجودت ایراز، نیستیم بلکه از معتقدان صمیسی و فداکار این اصول هستیم و میخواهیم در زمینه همین اصول با ین افای محدر که از سالهای ۱۳۴۰ به يتطرف بهمراه افترايش مرسمام اور محيرالعقول ثروت خود بطور دائم در مقام ر مرح خود بهور دام در معام وزارت و سفارت و سرانجام مدیرغاملی شرکت نفت بسر میبرد به گفت و گوئی صریح و علنی به نشینیم و بخواهیم که این گفت و گوی صریح و علنی بطور مستقد نت و گوی صریح و علنی بطور مستقیم زنده از رادیو و تلویزیون دولتی برای طلاع ملت ایران پخش شود و در مطبوعات طور كامل انتشار يابد مخصوصا قبل از هر چیز همین آقای هماهنگ کننده برای معرفی خود به مردم ایران باید ضمن شرح عال خود میزان ثروت و مستقلات و ندوخته های خارج خود را نیز انطور که سایسته یک گفت و شنود واقعی است بیان کنند. گفت و شنود واقعی به نظر این اقا حسد. فعد و سبود وافعی به نظر این افا چیست؛ و اصول موجودیت ایران کدام دولت انقلابی شما در جواب اعتراض و انتقاد روشنفکران به قساد و استبداد از چهاق و لوله تفنگ و گلوله و شکنجه و زندان استفاده کند؛ ایا اصول موجودیت بران در دو کلمه فساد و اختناق خلاصه یشود؟ شما در موضع قدرت قرار دارید. کلیه اهرمهای قانونی کشور را در دست دارید و ما جز زبان و قلم خود وسیله وقدرتی ندارید. پس چرا این گفت و شنود واقعی سیاسی انجام نمیگیرد. گناه از ماست یا از شعا؛ گناه از کسانی است که غول آقای کارتر با شسکم سیر از موضع برتر ندرت حرف میزنند و پیا از کسانی است که رح حرص و بدار فسامی است که بدون قدرت اصولاً به چیزی جز حکومت قانون و حمایت قانون و گفت و نشود واقعی سیاسی در پناه قانون نمیتوانند فکر کنند. کسانی که قدرت ندارند خواهان گفت و نشود سیاسی حستند یا کسانی که بادر دست داشتن قدرت مطلقه هر گفت و نشتود واقعی سیاسی را مغایر با مطلق بودن قدرت خود

ما با قرار گرفتن قدرت قانونی از اههای قانونی در دست افراد و گروهها و حزاب سیاسی مخالف نیستیم. ما با قبضه کردن قدرت قانونی از راههای غیر قانونی و با مخالفت مردم از استفاده از حقوق قانونی انها مخالفیم. ما میگوتیم کسی که قدرت قانونی مردم را به زور تصاحب کند و رسایل قانونی آزادی قلم و بیان و انتقاد و گفت و شنود واقعی سیاسی را نابود نماید هرگز به غیرقانونی بودن قدرت خود افرار یکند ما میگوئیم کسانی که زبان و قلم مردم را می پندند و وسایل قانونی نظارت و مردم را در امور اساسی کشور نابود میکنند هرگز وجود سانسور و اختناق و فرمایشی بودن انتخابات مجلس را تایید میکنند هرفتر وجود ساسرر و اختاق و فرمایشی بودن انتخابات مجلس را تایید نمینمایند. کسانی که بیگناهان اسیر را شکنجه میکنند و برخلاف قانون به زندانهای طولاتی محکوم مینمایند هرگز جود شکنجه و غیرقانونی بودن محاکم جود سنجه و خیرهاونی بردن خاندم ظامی و دادرسی های فرمایشی را در دکومت خود تصدیق نمینمایند. کسانی که ر مواضع بهتر قدرت و با شکم های سیر سلکت خود را بصورت یک واحد وابسته و تابع اقتصاد شرکتهای بزرگ بین السلای درمیآورند و با اسراف میگیاردها دلار پول نفت کشاورزی را نابود میکنند و در مدت ند ماه سال جاری در برابر ۷۳۷ میلیارد ریال واردات فقط ۳۲ میلیارد ریال کالا سادر میکنند و با تکیه بر قدرت مطلقه اندوخته های خصوصی و سهام شخصی خود را در بانکهای خارج به ارفسام سرسام آوری میرسانند جز از پیشرفت مملکت و افزایش درآمد سرانه افراد کشور

و بهیودی و هوایس دراهد سرانه امراد و بهیودی وضع اقتصادی و رفاه عمومی دم نمیزنند. کسانی که از راه اعمال خشونت و شکنجه و سرکویی های وحشیانه آزادی و قانون را پایمال کرده اند طیعا آزادیخواهان

صون رو پایمان خرده اند حیما از ادیخواهان و مخالفین استبداد و طالبان حکومت قانون را جز اخلالگر و توطئه چی و مزدور بیگانه و عامل استعمار نمیخوانند. برای حکومتی که در کرسی قدرت مطلقه قرار دارد و همه

رسایل خیری را زیر محمد موار دارد و همه رسایل خیری را زیر محمد سانسور گرفته و با نشاندن دست نشاندگان خود بر گرسیهای مجلس از هر گوند سوال و جوایی فارغ شده است. هیچ اشکالی ندارد که هر اعتراض و

هر فریاد و هر تنقاهری را با گلولد و چنایی سرکوب کند و سپس فریاد مظلومانه مردم را در خیابانها و کوچه ها و مساجد در مطبوعات دولتی بصورت اخلالگری و خرابگاری و تخریب اماکن و شعارهای شدملی متعکس کند و خوددر فردای مادئه شدمان متعکس کند و خوددر فردای مادئه مزدوران خود را وادار به تظاهرات وطن پرستانه و ضد بیگانه پرستی نموده و خبر ین تظاهرات ساختگی را به عنوان نشاندای ین تفاهرات ساختجی را به صوان سامه ای ر پشتیبانی افکار عمومی از حکومت در مطبوعات و رادیو و تلویزیون دولتی بازگو نماید. مدتهای طولانی است که مردم بران از ماهیت گفت و شنودواقعی سیاسی متولیان دولت و رهبران حزبی به خوبی اطلاع دارند. فحش و ناسزادادن به مراجع مذهبی در مطبوعات دولتی و تحریک مسینی در معبودهای دوسی و بهریک عمدی مرده و سپس کشتن آنها در خیابانه و پس از آن تبدیل فریاد اعتراضی آنها به اخلالگری و خرابکاری در وسایل خبری. اینست معنای واقعی گفت و شنود واقعی سیاسی همانگ کنندگان جنامهای حزبی. ترفین به حیثیت مقامات روحاتی و افراد در درخان به حیثیت مقامات روحاتی و افراد توهین به حیتیت معامات روماس و افراد روشنفکر و نویسندگان در روزنامه ها پدون اجازه دفاع قانونی و مشروع برای آنها. پنست معنای احترام به آزادی قلم و حرمت شوون انسانی که آقای آموزگار در اغاز ماموریت خود به عنوان نخست وژیر و در هنگام طرح برنامه دولت خود در مجلس مطرح کرد و خود را به اجرای آن مفید و . نمود!!! اری در حکومتی که اساس و پایه قدرت آن بر نابودی اصول قانونی قرار دارد. هر شخصی میتواند جاسوس و مزدور بیگانه و خرابکار و عاشق شاعر و یا شاعری عاشق و پرورده دست اجانب معرفی شود. هر زندانی بیگناه شکنجه دیدهای میشواند پس از پایان دوره محکومیت خود بخاطر تمکین نکردن و نابود نکردن حیثیت خود انسانى 23 جلادان شکنجدچی از نویه معاکمه کشیده شود و از نو بسالهای دراز زندان محکوم گردد. و یا اگر تسلیم نشد مانند

دزیانی و صدها امثال او دانشجوی بیگناه زندانی در زیر شکنجه شهید شود بیخاه رواسی در ریر سخجه سهید سود.
در حکومت زور و چیر هرکتابی میتواند
غیرفانونی و یک بسته باروت و یک بسب
ساعتی صاحب کتاب را از آزادی و حق
دفاع قانونی محروم کند. هر اعتراض و
هرانتقادی میتواند از شخص منتقد و
هرانتقادی میتواند از شخص منتقد و معترض یک ضدمذهب یا یک ضدقانون و یا یک ضدمصالح ملی بسازد، و بهمین علت است که منولیان چنین حکومتی درمحافل بین المللی و سازمانهای جهانی پیشنهاد موقوف کردن شکنجه را میدهند و پیسهاد موقوی برای سید بر ایند و در فقر اکثریت از حقوق بشر حرف میزنند و در فقر اکثریت مردم جهان اشک میریزند و به دانشگاههای امریکا کمک میکنند. درصندلیهای مقدم جشنواره های هنری می تشینند. سخن از بسواره های هری می نتینند. سخن از معیت و معنویت و برتری اخلاق برمادیات میگویند و جهان را به برابری و برادری و صلع و صفا میخوانند و مجامع نیکوگاری و خیریه تشکیل میدهند و از نابرابریها و و عمریه تسمیل میسد از گربربه و را فقر و همکنت اکثریت مردم جهان شکوه میکنند. این نمایشهای خارجی ازاین جهت لازم است که درداخل برنظامی که مظهر نابرابری و بیعدالتی و ظلم و شقاوت است حكرمت ميرانند . همين ها فستند كه چشم و عجومت میرانند ، عیین هامسند نه چیم و گوش خود را برفساذ و اختیاق و شکنجه و محکومیت هزاران بیگناه زندانی می بندند و هر قریاد اعتراض و هر صدای آنتقادی رادر هر هر یاد اعتراض و هر صدای استفادی رادر مطبوعات و وسایل خبری نحت سیطره خود به اخلاگری و توطئه تعبیر مینمایند و همین ها هستنسد که زندگی را در افراطی ترین شرایطرفاه و لذت و آسایش و قدرت و زور و تروت می گذرانند، همین ه هستند که در زندانهایشان مادری را پس اد شکتحد ها، هدانگی و تداران کون شکنجه های هولناک و نیرباران کردن چهارفرزند به سقف زندان اویزان میکنند و چهارغرزند به سقف زندان او براز مرکند و با ضربات تازیانه از او میخواهند که به نور چشمان معدوم شده و شکنچه دیده اش ناسزا بگوید همین ها هستند که جوانهای بیگناه را در گوشه های زندان به بهانه تلاش برای فرار به گلوله می بندند و اکبون همین کشتار جمعی را با چاب مقاله ای فراهم میکنند و پس از آن جنایت فجیع و پس از کشتن دهها بیگناه و برجاگذاشتن ضدها مجروح بجای استمالت و مرهم نهادن مجروح بجای استمالت و مرهم نهادن بردلهای عزادار مردم با فصوصی آمیخته باکین توزی کارگران دخانیات و سایر کارگران دولتی و خصوصی را برای ادامه تظاهرات از تهران به قومیفرستند زیرا این از خصوصیات ماکیاولی قدرتهای جبار است که درنهایت ضعف باید جنایت

بارترین اثار وجودی قدرت را همراه با اتش ون نشانه گزاری کرد و از پس جنایت هرگز تباید آثاری از پشیمانی و ضعف برجای نهاد. درچنین وضعی است که تلاش برای آزادی استقرار حکومت قانون و متعدد از استفرار حکومت قانون و برای ازادی و استفرار حخومت فانون و سنقلال واقعی کشور مافوق هرگوبه جدانههای مسلکی و فکری قرار میگیرد. درچنین وضعی که قهر و خشونت نظام سیاسی برهیچ اصلی از اصول آنسانی و فضایل اخلاقی و حرمتهای معنوی ابقا حیکند. توجه و تحسک به اصول اساسی نساني يعنى ازادي براي يك جامعه مستقل ر مشکی به نیروی خلاقه خود و استقلال وافعى براى نامين واتكامل شرايط محسترش کمی و کیفی آزادی میباید شیرازه هما تلاشها و کوششهای اجتماعی قرار گیرد. ابن اصول معتقد ضرورت تعمل و بردباری یکدیگر خبیرمایه اصلی توحید مساعی و وحدت بیروهای مادی و معنوی حود میدانند طُلَایه دار راستین این رسالت تاریخی فستند. و این یک حقیقت است که بقول برئت خَیفَ اگر درک نشوه از پلاهت احت و اگر فهمیده شود و موردعمل قرار نگیرد خود یک جنایت است. در روزگاریکه دروغ خمیرمایه حکومت است و چماق و شکنجه و گلوله با یک مصاحبه یک اعلامیه و یک سخنرانی و یک کنگره به آسانی به آیه رحمت و مظهر انقلاب تبدیل میشود و طرفداری از حقوق اهدب بدیر میسود و هرهداری از عمونی نسانی و مخالفت با استبداد و ارتجاع و غارتگری به مخالفت با آزادی زنان!! و اصلاحات ارضیی!! تعبیر میشسود و وطن دوستی و حقیقت خواهی و نگرانی از اینده استقلال به خطر افتاده وطن به خیانت و توطئه و مزدوری اجانب تعبیر میگردد. و در روزگاریکه دزدها مشعلدار قانون|ند و درحالیکه سرهای خونین و جسدهای گلوله باران شده و کیسه های پراز دلار را بردوش دارند در بهت اورترین مرزهای وقاحت درباد ای دزد ای دزد سرمیدهند، برای مردم ایران جز عبرت گیری از شکست های گذشته و قطع امید از منابع هایدئولوز یکی سیاسی، قدرتهای بزرگ که جز برمنافع درازمدت و کوتاه مدت خود نمی اندیشند . نکیه بر خمیرمایه های وحدت قومی و

تاریخی خود براساس ازادی و استقلال واقعی و عدالت اجتماعی برای اکثریت توده های ستمدیده ایرانی چه باقی شیماند؟

در روزگاریکه حکومت همه منابع زندگی مردم را بدون کوچکتسرین احسیاس

مسئوولیت و ترس از قانون درخدمت سرکویی حقوق قانونی و ازادیهای اساسی مردم گرفته است و همه مصالح ملی و

مملکتی برای بقای حکومت استبدادی و اشهدرار منافع و قدرت خانواده های معدود و حکومت کننده و پستگان و قالبان و

مردوران انها قربانی شده است. روسنفکران اصیل ایران باید با تکید برسرتافتن حکومت از مشروعیت و حقانیت قانونی خود. مصلحت گرانی های اعتقادی و گرایشهای

فكرى خود را تحت الشعاع ضرورى ترين

نیازهای اکثریت مردم ایران یعنی آزادی و استقلال واقعی و ایجاد روابط عادلانه

سعدی و بیدر روید سیاسی و اقتصادی درسیاست خارجی و استفاده از پیشرفته ترین دستیاوردهای علمی و فنی و اجتماعی شری برای رهانی

علی و صل و اجتماعی بسری برای رای رای رسی ترده های ستمدیده ایران از بردگی فکری ر اسارت اقتصادی و فقر فرهنگی و وابستگی های استعماری به منابع سیاسی و فنی ر تکنولوژیکی بیگانه قرار دهند. همه چیز را باید در بوش استحان و تجربه قرار داد. با افکار از پیش ساخته و قضاوتهای قالبی و ساخت تا داد. با

ملاک قراردان عقاید و افکار خود برای همه داوریها و چچتگیری با سواسق ذهنی ای که هرگز به میدان تجربه و عمل درنیامده است تمیتوان به جنگ مسائل

کنونی جامعه خود رفت و نمیتوان درمقابله با سدهای استبداد و ارتجاع و قساد و وابستگی های خارجی و داخلی تنگناهای

استبداد و فساد را آزمیان برداشت، همه

را رسان برداست. همه شرایط مساعد خارجی و بین المللی هنگامی دربرداشتهای ذهنی و فکری ما قابل توجید اند که بتوانیم آنها را در شرایط داخلی جامعه خود و درجهت آزادی و استقلال

جامعه خود و درجهت ازادی و استقلال واقعی مردم ایران سورداستفاده قرار دهیم. آقای جیمزرستیون مفسر معمروف میطیوعات امریکا هنگامی که برای مردم کامبوج اشک تمساح میریزد ما را درمقابل حقیقت عواناکی قرار میدهد، او از کشنار هزارها مردم کامبوج بدست حکومت آن هزارها مردم کامبوج بدست حکومت آن میرکشورهای برزگ ستوال میکند که چرا سایم کشورهای برزگ ستوال میکند که چرا در برادر کشتار و کاشش، نظام مافته

سایر کسورهای بررک سنوال میکند که جرا در برابر کشتار و کوشش نظام یافته حکومت کامبوج درتصفیه کامل مخالفین سکوت کردداند. قسمت هائی ازاین نوشته را از شماره ۲۵ دیداه ۱۳۵۶ روزنامه رستاخیز زیرعنوان دتراژدی کامبوچه نظل

میکنم. روزنامه رستاخیز در روزهائی

کسانی که به

مگيرد

رجمه مقاله جيمزرستون را چاپ ميكند كه

رجمه معان بهمررسدون را چاپ محمد ته روزی بیش از کشتاری که بدست حکومت ایران از دهها نفر مردم پیگناه قم انجام گرفت حی گذرد. انجانی که کشتارها و شکنجه ها

و قتل عامها و محکومیت ها و خونریزی دائمی فرهنگی و اقتصادی واجتباعی ملت

ها به موازی مصالع سیاسی آمریکا و

ب موری مصابع سیاسی امریخا و سرمایه داری جهانی غرب پیش میرود. گرانی و وحشتی در مطبوعات غربی به پشم نمیخورد، حقوق بشر به خطر نمی افتد اما آنجانی که آمریکا دراتر اشتباهات

اما انجالی که اهریکا دراتر انتیاهات سیاسی و مطامع اقتصادی خود مصالع خود را ازدست میدهد تجاوز به حقوق پشر و کشتار مخالفین موجب نگرانی مفسرین غربی میشود و دراینجاست که سنوال و

سرزش و فشار وجدانی و انسانی به سوی فدرتهای

بزرت سرازیر میشود اقای جیمزرستون مینویسد کمان

دگزارشهای خصوصی سیاسی که این روزها از کامبوج به واشینگتن میرسد همه و همه تاتر اور د این گزارشها حکایت از

کشتارهای جمعی هزارها نفر .از مردم و یک کوشش نظام یافته حکومت کامبوج در تصفیه کامل طبقات ِبالا و متوسط در این

نصفیه دامل هیمات به و متوسط در این کشور دارند و حکومت کارتبر رئیس جمهوری امریکا اینک باید درگیر چیزی شود که ظاهرا یک تراژدی انسانی است. ناخیر در اقجار نظر واشینگتن بعنوان

خشی از سیاست حقوق بشر کارتر ظاهرا

اشی از مشکلات تعیین صحت و سفم گزارشهای رسیده از پنوم پن است... این

جنایات چند پرسش بنیادی برای سازمان ملل متحد که بسختی کوشیده است افکار عمومی را علیه دقوم کشی، تجهیز کند

مطرح میسازد. براستی این به اصطلاح کشورهای بزرگ نمیتوانند دست که در باره

گزارشهای مربوط به یک چنین رنج بشری تحقیق کنند؛ ایا حقوق ملی شامل تهدید یا

از بین بردن مردمی بوسیله رهبران وقت یک کشور هم میشود؟ و اگر آنها نمیتوانند در

باره این خشونتهای غیرانسانی تحقیق کنند دست کم نمیتوانند علیه آن قریاد بکشند؟ این پرسش هاست که اینروزها در واشنگتن

باره شان صحبت مبشود اینجا باید بیر

کوشش دولت کامبوج برای از بین بردن اندسته از مردم این کشور که با سیاستهای انقلابی آن مخالفند و جنگ مرزی بیم

سربازان کامبوجی و ویتنامی فرقی قائل ایا اقای جیمز رستون و آقای کارتر نمیدانند که چند روزی پس از مسافرت رئیس جمهوری امریکا به ایران و در آستانه ورود أقای كورت والدهایم دبیركل سازمان ملل به تهران حكومت ایران دهها نفر بیگناه رًا در شهر تم په گلوله بست و صدها نفر را مجروح نعود؟ أيّا كثبتن متجاوز از صدّنفر انسان در یک روز آنهم انسانهای بیدفاع و مردم کوچه و بازار و ژخمی کردن صدها انسان (طبق شایعات موکد معافل مطلع اسان (هیمی تاییدات مو ده معمل مصبح داخلی و خبرگزاری های خارجی) و کشتن صدها انسان بیگناه در زیر شکنجه های مامورین ساواک و محکوم کردن هزاران انسان بیگناه به زندانهای خارج از همه شرایط آنسانی و تحمیل سکوت و خاموشی مطلق بر میلیونها انسان زنده برای نابودی حیثیت انسانی و ثروت ملی و آزادی و استقلال واقعی آنها خود یک کوشش نظام يافته حكومت در تصفيه كامل مخالفين و یافته حکومت در تصفیه کامل مخالفین و فکر مخالف در ایران نیست؛ آقای جبیز رستون و آقای کارتر از جنایانی که در کامبوج میگذرد اطلاع ندارند ایا از خیایان ها و کوچه های ایران و برزیل و خیابان ها و کوچه های ایران و برزیل و شیلی و اوروگونه و اندونزی و ساحل شیلی و اوروگونه و اندونزی و ساحل میگذرد نیز بی اطلاع هستند؛ آیا غارت میگذرد نیز بی اطلاع هستند؛ آیا غارت منابع یک ملت و تحمیل وحست و هراس از طریق اعمال خشونت و شکیعه بطور مداوم در یک ملت و تحمیل مشتوه بطور مداوم در یک ملت و تحمیل مختوب نظام یافته در جهت اسیر گرفتن یک ملت و قوم کشی مداوم . یک ملت کوششی نظام یافته در جعت اسبر گرفتن یک ملت و قوم کنی معنوی و مادی یک ملت بر نسبت حکومت ان نسبت. آنچه آقای چینز رستون به عنوان سنوال در زمینه دختری ملیء مطرح میکند ما نیز همازا میگونیم. آیا حقوق ملی برای و شکیجه و غارت مردم آن کشور هم میشودا. آیا حقوق ملی برای حکومت یک کشور کشتن و شکیجه دادن و زندانی کردن میاستهای ضد انقلایی و ارتجاعی و مروج آندسته از مردم کشور را که مخالف با در مردم خوانی و نادی حکومت نیز فساد و تبایی ضد انقلایی و ارتجاعی و مروج در برمیگودا آیا شکیجه و محاکمات غیر فساد و تبقی و آزار مردم یخاط عقیده و در میشت آنسانی آزادیخواهان و در فاهی کشور با جعل و اتهام و تهست و متاسان از ارتوبوسها و اقدی محکومت مطاقد بر ناسرا و در فکوش و استفاده از اتوبوسها و وسایل دولتی و حکومت مطاقد بر و وسایل دولتی و حکومت مطلقه بر مطبوعات و رادیو تلویزیون و مجلس شورا و دستگاه قضائن کشور جزنی از

خوق ملی رهبران سیاسی کشور است و مخالفت با این اعمال و تقاضای اعاده حکومت قانونی و استفاده از اصول حفوق سانی یعنی مخالفت با ازادی زنان و صلاحات ارضى !! أيا اقاى جيمزر اقای کارتر نمیدانند که کوشش نظام یافته حکومت استبدادی نه تنها در جهت کشتار مخالفين و تصفيه كامل هرفكر و عقيده مخالف از راه شکتجه و حبس و قشار و حکوت است بلکه حکومت همانطور که در واقعه قم و در حوادث اخیر دانشگاهها و حادثه کاروانسراسنگی نشان داد. دست به ایجاد حادثه و توطئه برای کشتن بیگناهان جهت بازگشت مجدد مردم به اغل سکوت و ت میزند. یعنی ایجاد توطئه از پیش ساخته برأی انجام کشتار جمعی خود از سیاستهای دائمی حکومت است و بدنبال ان دها اتوبوس سازمانهای دولتی و شرکت واحد را برای بردن کارگران دولتی دخانیات و راه اهن و گمرک و قند و شکر و سایر سات و انجام تظاهرات مصنوعی به قم بغرستند و از این طریق درحالیکه آقای رزیر خارجه حکومت. خواستاران حقوق بشر یعنی جمعی از استادان و نویسندگان و یشر یعنی جمعی از استادان و نویسندگان و روشنفکران بنام کشور را مخالفان آزادی ر ر رس چه سور را معالمان ازادی زنان و اصلاحات ارضی معرفی میکد:؟ که جمعی از زنان هم فکر و پستگان خود را با جادر سیاه برای نظاهر علیه آزادی زن اراز سیاه برای نظاهر علیه آزادی زن ایرانی بسیج کرده بودند!!! و زیرا بقول ایشان اتفاق روزهای خورالدهایم و نظاهرات قم و تسلیم نامه به آقای والدهایم معاهرات هم و تستیم نامه به امای والدهایم یا دو روز ۱۷ زیخی! در تاریخ معاصر ایران هم زمان بود که یکی روز ۱۷ زی زادی زن ایرانی است و دیگری روز ۱۹ دی سالروز اصلاحات ارضی است.، آفای وزیر خارجه با ادای این ایاطیل مبتذل و

مهوع جهره وأقمى مدافعان أيراني حقوق شر را نشان داد؛ اما هرگز به این شوال مفدر جواب نداد که حکومت شما که مدافع آزادی و حفوق بشر و مخالف با شکنجه ميباشد جرا اجازه نداد اعلاميه كميته طرفدار دفاع از حقوق پشر که برای همه مطبوغات آبران فرستاده شده بود در ابر مطبوعات منتشر شودان چرا روزناب نگاران ایران جرات نکردند به دعوت این کمیته در جلسه کنفرانس مطبوعاتی این کمیته که حتی رادیو بی بی سی هم به اضافه سایز جراید معتبر جهان نظیر لوموند بر منچسترگاردین خبر آن را منتشر کردند ماضر شوندا: چرا هدفهای این کمیته که کتبا در اختیار جراید گذاشته شد چاپ شد نا مردم بدانند که این مخالفان ازادی زبان و اصلاحات ارضی چه کسانی هستند و چه سوایقی دارند؟!. اقای وزیرخارجه تأسف میخورد که داقای کورت والدهایم چرا از پذیرفتن این عده یعنی اعضای کمیته دفاع تر حقوق بشر خودداری کرد و اضافه میکند كه خيلي ميل داشتم كه أفاي والدهايم اين افراد را می پذیرفتند و مخصوصا از آیشان انتظار داشتم که این ملاقات انجام شود تا یشان و دنیا بدانند که اینها چه طرز فکر و چه برداشتی از حقوق بشر دارند. حالا که دبیر کل سآزمان ملل به زعم و زیر خارچه ین عده را نپذیرفتند!!آیا آقای و زیر خارجه حاضرند این عده را بپذیرند و با این پذیرش ر با چاپ و انتشار گفتگوهانی که با آنها به عمل میآورد خود این مسئولیت و وظیفه خطیر ملی!!! را برعهده بگیرند و بدلیا نشان دهند که بردانت این عده از حقوق بشر بيست؟! و مخالفين اصلاحات ارضى و

ازادی زنان چه کسائی هستند؟!! داد ۲۷ دیماء ۱۲۵۶

ضربه استعمار ببالاصلام

شغلی، با توجه به این نکته که این تخصص عتبار در جامعه به چنین متخص بِتُوانند از دمزایای قانونی آن (!)، استفاده

د سجام محلیقات علمی که در تثبیت و یا تغییر و یا گسترش ارزش های اجتماعی و اختلافی اجتماع حرثر است بنابراین در این زمینه وظیفه دانشگاه پدید آوردن معیارهای جدید یا تاثید مکرر معیارهای گذشته است. ۲۔ انجام تحقیقاتِ علمی که در تثبہ

 آرائه نحوه تفکری علمی. جدا از معلومات تخصصی به دانش جویان که وظائف و جوایگونیهای یک فرد دانشگاهی

در شرایط کنونی نیز تنها با اولویت

فراموش کرده اند معذالک وظیفه اموزش و پرورش خود را هنوز در رسیدن به هدف

های زیر میدانند: ۱- دادن تخصص به افراد بمنظور اجرای وظایف درنظر گرفته شده در محدوده ی با در بنی مشخص و در بیشتر کشورها رای قشری معین در نظر گرفته میشود. ۲ـ دادن عنوان شناخته شده و صاحب

را در قبال اجتماع تعیین میکند. اصل چهارم نشان دهنده اهمیت وظیف

یک روشنفکر در قبال اجتماعی است که درآن زندگی میکند و هنوز دانشگاهها علیرغم صورت شخصی شده فعلی خودنیز این وظیفه اصلی و انسانی را از یاد

دادن به اصل جهارم میتسوان دانش اندوختگانی بجامعه تقدیم داشت که بنوانند

فرهنگ ما را از تاثیر بود روشهای استعماری برهانند. زیرا پاکسازی فرهنگ به انحراف کشیده شده یک قوم مسئلدای نیست که پتوان بسرعت آن را به اانجام

رساند.

بیاد داشته باشیم که در چنین پاکسازی
فرهنگی هر آنچه که از غرب اقتباس
کرده ایم الزاما غلط نیست. ما باید و
مجبوریم که از فرهنگ غنی بشری استفاده
جوتیم لیکن در این بهره گیری بیادمان
بیاریم که باید پیوسته تکید بردست
اوردهای فرهنگ بیانظهای مجتهداند و
اقتباس از فرهنگ دنیا انطاق مجتهداند و
عالهاند از را با شرایط خاصد خدهان منظ عالمانه أن را با شرايط خاص خودمان مدنظر قرار دهیم. درچنین انطباقی اصول مورد اعتقادمان.سنت هایمان و معتقد ات مذهبی مان همه و همه درنظرمان هست و از موضعی اخوداگاه دربهره گیری از چشمه جُوشان **قرهنگ جهلنی ع**مل میک

به دانش پژوهان و روشنفکران ماهرگز فرصت آن داده نشده است تاباکاری مستمر مرزهای وسیع فرهنگ بشتری را بشناسند و به ژرفنای بزرگ ان واقف گردند. فرهنگی که زائیده تغییرات و تحولاتی اجتماعی که رابیده تعییرات و تحولاتی اجتماعی است که درتمامی جهان موازی هم بجلو میرود و تنها شرایط خاص موضعی تسکل ظاهری انهارا از یکدیگر متمایز میسازد لاجرم چنین فرهنگی دارای جنبه های متبایه فراوانی است وعدم اعتبای مایمه ان در وگرداندن از آن مارا به فقر فرهنگی میکشاند

1704/4/14 جناب اقای مهندس بازرگان

باعرض تبریک و تهنیت که در نهایت سرباندی وافتخار و فداکاری و ایشار رفتن را به چنین ماندنی ترجیح دادید و به سنگر خود بازگشته و امید ملت خود قرار گرفتید. و تبریک بصرات و قاطعیت شما که در لعظه ترک پست نخست و زیری از گفتن حقایق وافشیای مشکلات ملت و انقلاب امت تقیم و ملاحظه کاری نتمودید و به انتظار اینکه در سنگر حدید خدمت به ملت و انقلاب احد داد مای سرواند کرد. جدید خدمت به ملت وانقلاب را همچنان با سرمایه پاکی و صدافت که خاص شخص شما است ادامه دهید امید است در این ر و زهای حساس از یاری امام و رهبر انقلاب کوتاهی نفرمائید چون دیگران یار غارند و شما یاری حام ورجبر العدب عوامی مرمایید چون دیخران پارخارید و سه پارورزهای مصیبت واین مسئولیتی است که خداوند بردوش شما گذاشته که در رفع مشکلات ملت ایران در راه ساختن ایرانی آزاد ومستقل و توحیدی با پایمردی و مقاومت اهتمام فرمانید واگر نبود حساست موقعیت کشور میلیونها مردم حق شناس به نیکوترین وجه احساسات خود را نسبت به شما بابرگذاری اجتماعات بزرگ ابراز مدافعین

خليلواله رضائي احمد علىبابائي عباس رادنيا عباس سميعي هوشنگ مصلحی ـ محمد تقی انوری ـ دکتر میرحقانی ـ علی اصغر حاج بابا _ على اكبر نوشين _ دكتر فرج الله ناصرى